

اکنونوموس

ECONOMOS

گاهنامه علمی دانشجویی
انجمن علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز
سال دهم - شماره دهم - بهار ۹۷

دستفروشی
فرصت یا تهدید؟

اقتصاد آبی که فوتبال

دموکراسی
بدگوارشی ملت ها

بازگشت به عصر
طلایی
آستانه مرگ یا

برگزیت:

انفصال اقتصاد جزیره

گفت و گو

بازوج هیئت علمی بخش اقتصاد



نحوه مقالات دریافت



محمد امین زارعی
مدیر مسئول نشریه

شماره دهم نشریه اکونوموس

دریافت مقالات طی مراحل زیر صورت پذیرفت:

مرحله اول: فراخوان دریافت مقاله و همکاری در کانال تلگرام انجمن علمی اقتصاد و سایر کانال ها و گروه های مربوطه و همچنین به صورت محیطی در سطح دانشکده و دانشگاه اعلام گردید و دانشجویان علاقمند به همکاری در این شماره از نشریه آمادگی خود را به سردبیر نشریه اعلام نمودند.

مهلت ارسال اثار (مقاله، مصاحبه، گزارش و ...) تا ۲۰ اسفند ماه اعلام گردید.

مرحله دوم: مطالب دریافتی از دانشجویان توسط اعضای هیئت تحریریه نشریه اکونوموس به نقد و بررسی گذاشته شد و آثار برگزیده انتخاب شدند.

مرحله سوم: آثار برگزیده توسط استاد مشاور انجمن علمی بررسی و نکات مورد نظر ایشان به سردبیر و هیئت تحریریه نشریه منتقل گردید.

مرحله چهارم: پس از تایید نهایی سردبیر نشریه مقالات مورد نظر در شماره دهم نشریه اکونوموس به چاپ رسیدند.

سخن سردبیر



فاطمه میرزایی
سردبیر نشریه

چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن
اگر باران به کوهستان نبارد

که می گویند ملاحان سرودی
به سالی دجله گردد خشک رودی

التیام درد های این روز مردم را جز سخن شیخ اجل نمی دانم.

استاد سخن گر امروز می زیست، از خم به ابرو نیاوردن این خلق، شرافت و شکیبایی این خلق، متحیر می گشت و کف بر کف زنان و لاحول کنان، قلم را منحصرأ به نگارش از ثنای این جمع برمیکرداند. باری به هر جهت، صبر راهگشا و علاج هر حرکت رو به جلو و رشد و تعالی ست، چرا که هست بعد هر صبری ظفر بعد هر تلخی شکر.

سالی که پیش روست را باید با کد یمین و عرق جبین گذرانند و صورتها مان را با سیلی سرخ کنیم، که این میراثی ست که از گذشتگان به ما ارث رسیده است ...

نشریه ای که پیش روی شماست به تلاش دانشجویان بخش اقتصاد دانشگاه شیراز، و به اهتمام انجمن علمی این بخش گردآوری شده است.

امید است که بر دل مخاطب بنشیند و بتواند هر چه قدر جزء، به معلومات و بینش خوانندگان افزون کند.

یا حق.

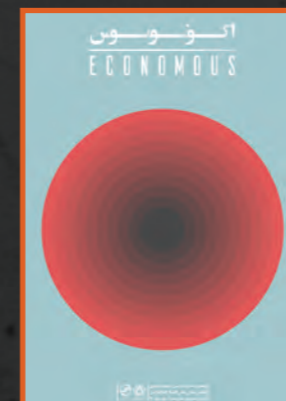
فهرست

- ۱ نحوه دریافت مقالات
- ۱ سخن سردبیر
- ۲ سرمقاله: دموکراسی، بدگوارشی ملت ها
- ۳ صدای یک دست بریتانیا
- ۶ گفت و گویی جذاب با زوج هیئت علمی بخش اقتصاد
- ۱۲ اقتصاد غیر رسمی و پدیده دستفروشی
- ۱۴ ارائه مدل نظام نوین بانکداری اسلامی
- ۱۸ توسعه و تجدد
- ۲۰ اقتصاد نفتی
- ۲۲ راهکاری برای اصلاح نظام بانکی
- ۲۴ ساختار گرایان چه می گویند؟
- ۲۷ موتور جست و جوی پولدار
- ۲۸ نوبل ۲۰۱۷ اقتصاد، اقتصاد رفتاری
- ۳۱ تور بیست و پوشاک ایران و ترکیه
- ۳۴ اقتصاد، آن روی سکه فوتبال
- ۳۶ ثروت ملل، آدام اسمیت و ظهور مکتب کلاسیک

گاهنامه علمی دانشجویی اکونوموس
سال دهم، شماره دهم، بهار ۹۷، ۳۷ صفحه

- صاحب امتیاز: انجمن علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز
- مدیر مسئول: محمد امین زارعی
- سردبیر: فاطمه میرزایی
- استاد مشاور انجمن علمی: دکتر پرویز رستم زاده
- تحریریه: ریحانه گرامی / فاطمه میرزایی / محمد امین زارعی / شراره آتش زمزم
- زهره چترسیماب / علیرضا شبانی / حسین خادم پیر / الهام رفیعی / نیلوفر فارغی
- علیرضا هادی پور / مجتبی امیری / زهرا شبانکاری / مرضیه رصاف / محبوبه موسوی
- صبا اسماعیلی نیا / صبا مصباحی / عاطفه وطن خواه
- با سپاس ویژه از: دکتر روح الله شهنازی / دکتر زهرا دهقان
- طراحی جلد و صفحه آرایی: محمد عدالتی
- دفتر انجمن: شیراز، میدان ارم، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی
- ساختمان شماره یک، دفتر انجمن علمی
- شماره مجوز: ۲۱۹/ک ن ش
- بهای خرید: ۲۰۰۰ تومان

Telegram @eco_shzu
Instagram economic_shzu



اکونوموس / شماره نهم / بهار ۹۶



دموکراسی ما بدگواشی ملت ها

سرمقاله



نیلوفر فراغی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

درخت توسعه ی اقتصادی، قبل از هر چیز توسط دموکراسی های فردی و اجتماعی آبیاری می شود. (آمار تیاسن)

دموکراسی، واژه ی پرطمطراق هوس انگیزی که ما و حاکمانمان همواره در دهان هایمان می چرخانیمش.

منطقی برای جنگ ها، بدبختی ها، باروها و خیال های واهی.

در قانون اساسی آتن (فصل ۲۷)، ارسطو "مردم فریبی" پریکلس را این طور وصف می کند: "قانون اساسی باز هم دموکراتیک تر شد."

و با این گزاره ادامه میدهد: تمام حکومت (قانون) را بیشتر در دستان آنان قرار میدهد.

در کشورهایی که دعوی توسعه یافتگی دارند، کشورهایی که GDP هایشان را بر فرق سرمان می کوبیم و نمودارهای رشدشان آب از دهانمان جاری می سازد، جمله ی مردمان می توانند هر چه در دل دارند در باره ی جامعه سیاسی بر زبان جاری سازند، تفسیرش کنند، با دبدبه و کبکبه اشتیاق انتقادی بی سابقه از خود نشان دهند، دهشت اقتصادی را نکوهش کنند. خود را دموکراتیک بنامند. گویی زیر این لوا پا را فراتر نگذاشته اند و چپ روی نکرده اند، هنوز سزاوار نام شهروندی هستند، بربریت را یکسره خفه کرده اند و بی تردید در انتخابات آینده خواهند بود. و چنانچه به نام دموکراسی چنین کنند به قول بدیو همواره بخشوده می شوند.

در بلادهای ما اما، این کلام پر بانگ، به لحاظ جوهری توخالی و صرفاً یک مارک تجاری است و آنگونه که آگامبن نوشت؛ در همه ی گفتارها طنین یک نت فالش را دارد. دموکراسی ای که رنگ به رخسار ندارد و چندان سرحال نیست و ما را عاجز ز علاج و تفسیرش کرده. ما به عنوان تئمه ی کسانی که برای رسیدن به آزادی تا کنون ۳ بار خیزش اجتماعی داشته اند،

هنوز در رویای رسیدن به آزادی هستیم.

بازگشت به عصر طلایی آستانه مرگ یا انفصال اقتصاد جزیره،

صدای یک دست بریتانیا



فاطمه میرزایی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

(اگر بریتانیا به خروج رأی دهد، هفت سال نامطمئن پیش روی خواهد داشت و در پایان این فرآیند باز نمی توان مطمئن بود که کسب و کار ما دسترسی کامل به بازار را دارد و این امر می تواند به از دست رفتن شغلها منجر شود.)

(عضویت در اتحادیه اروپا، ما را از تغییرات وسیع در قوانین باز می دارد، بورو بدبختی اقتصادی برای فقیرترین اقشار پدید آورده است و قوانین اتحادیه منجر به بیکاری و بی ثباتی و ناامنی شده است.)

این دو جمله مقامات دولت بریتانیا (دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا و مایکل گووی وزیر دادگستری بریتانیا) به ترتیب نماینده ای از تحلیل ها و خواسته های گروه های مخالفین و موافقین خروج جزیره از اتحادیه اروپا یا همان برگزیت است.

اما Brexit چیست؟

اصطلاح و تکرار مرگ برگزیت که چندی ست به کرات در رسانه ها و مطبوعات از آن نام برده می شود اشاره دارد به خروج آتی بریتانیای کبیر از اتحادیه اروپا.

بریتانیا پس از یک همه پرسی در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که آماده خروج از این اتحادیه ست.

انگلستان دو سال فرصت خواهد داشت تا بر سر چگونگی روابطش با اتحادیه اروپا مذاکره کند.

به طور کلی چه مخالفین و موافقین خروج بریتانیا طبق آنچه از تحلیل ها و گمانه زنی ها به دست می آید متفق القول بر آن اند که اقتصاد



بریتانیا در کوتاه مدت متضرر خواهد شد و مخالفین گویی این مرحله گذار را به جان خریده اند تا در پس روزهای بعد از برگزیت به اهداف خود در قبال این خروج برسند.

چه دلایلی مسبب و مزید بر علت این جدایی شد؟

از لحاظ فرهنگی:

بریتانیا به عنوان عضوی پرمدها از آغاز همکاری با اتحادیه با روحیه خودبتربینی نسبت به دیگر کشورهای عضو، هیچ گاه از مواضع حاکمیتی خود کوتاه نیامده است و به تعبیری بعد از چهل و اندی سال در برابر وضع قوانین اتحادیه که کشورها را مجبور می کند از قوانین خاصی پیروی کنند قد علم کرده و به مذاقش این قوانین دستوری خوش نمی آید و کمر به خروج از این پیمان بسته است.

اما از جانب اقتصاد و سیاستهای خارجه بریتانیا دلایل منطقی دال بر این قضیه است:

در بدو ورود بریتانیا به این اتحادیه پیش بینی می شد که اتحادیه اروپا ۳۶ درصد GDP دنیا را داشته باشد، اما در حال حاضر به ۱۵ درصد سقوط کرده است که خود می تواند شاهدی بر ناکارایی سیستم باشد.

(اگر بریتانیا به خروج رأی دهد، هفت سال نامطمئن پیش روی خواهد داشت و در پایان این فرآیند باز نمی توان مطمئن بود که کسب و کار ما دسترسی کامل به بازار را دارد و این امر می تواند به از دست رفتن شغلها منجر شود.)

دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا



انگلستان سالانه ۴.۱۷ میلیارد یورو به عنوان حق عضویت به اتحادیه می پردازد که این مبلغ به کشورها با اقتصاد پایین تر پرداخت می شود. قوانین کار در اتحادیه اروپا تهدیدی برای خود شهروندان بریتانیاست چرا که طبق این قانون به افراد اجازه مهاجرت به هر جا که بخواهند را می دهد. از سیاست مهاجرت و پناهجو پذیری میتوان به عنوان عمده دلایل تقابل انگلستان با کشور آلمان در سالهای قبل دانست. آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان که به دلیل وضع سیاستهای پذیرش پناهجو واکنش های زیادی را در داخل آلمان و دیگر کشورهای اروپا برانگیخته تفاوت مواضع بسیاری در این باب با انگلیسی ها که با ورود پناهجویان و هرگونه تغییر ساختار جمعیتی مخالف اند دارند.

پسابرگزیت:

بالتبع این خروج نه فقط برای خود

بریتانیا و اتحادیه اروپا بلکه بر کل جهان تاثیرات خود را در آینده خواهد گذاشت: در کوتاه مدت میتواند باعث ایجاد شوکهای روانی و قیمتی به بازار شود. در میان مدت باعث ایجاد انگیزه در دیگر کشورهای عضو اتحادیه برای ایجاد همه پرسی و خروج از این پیمان شود. هماهنگونه که در همین روزها زمره هایی نیز از جدایی فرانسه از اتحادیه و به اصطلاح فرگزیت شنیده می شد که در نهایت با پیروزی امانوئل ماکرون و باخت مارین لوپن نامزد راست افراطی انتخابات ریاست جمهوری این کشور که معتقد به استقلال و خروج فرانسه از اتحادیه بود شد.

در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول پیش بینی رشد اقتصادی جهان از ۳,۴ به ۳,۲ افت داشته است که دلیل آن احتمال این خروج و تردید در سرمایه گذاری کلان اعلام شده است. اما طبق این روند در بلندمدت می توان گفت که این روابط به روال عادی خودش بر خواهد گشت.

به هر حال در برابر بریتانیا ۳ راه قرار دارد:

۱_ **خروج قاطعانه:** که با کاهش ۸ درصدی نرخ رشد اقتصادی طی ۱۵ سال آتی احتمالا همراه خواهد بود.

۲_ **خروج نرم:** به ادامه همکاری با کشورهای اتحادیه می پردازد که اما با کاهش ۵ درصدی همراه است.

۳_ **ماندن جزیره در حوزه اقتصادی اروپا:** این گزینه از دو گزینه ی دیگر مطلوب تر است اما بازهم با کاهش ۲ درصدی همراه خواهد بود.



اما سالی گذشت با دو تصمیم غیرمنتظره و بزرگ به پایان رسید. دو تصمیمی که گاهها در کنار هم در معرض قیاس قرار می گرفتند.

انتخاب مردم بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا و انتخاب مردم ایالات متحده امریکا به ریاست جمهوری دونالد ترامپ هر دو در کنار هم از شوک های بزرگ جهان در سال گذشته بودند.

استیون هاوکینگ (فیزیکدان بریتانیایی)، در این مهم باور دارد که این دو خیزش بزرگ، فریاد خشم مردمانی ست که فکر می کنند رهبرانشان آنها را رها کرده اند، این مردم اعتراضشان را با رد نصاب فرهیختگان اعلام می کنند.

و در آخر: طبق آمارهای رشد اقتصادی، بریتانیا از زمان رأی مردمش به خروج با کندی قابل توجهی روبرو است و بیشتر اقتصاددانان با در نظر گرفتن تورم و سقوط ارزش واحد پولی پوند به دورنمای آن بدبین اند. اما آیا انگلیس از راه رفته باز می آید؟

در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول پیشود آن به چشم چه کسی خواهد رفت؟

آینده اتحادیه اروپا با نبود بریتانیا چگونه پیش می رود؟ باخت مارین لوپنودنیا انگلستان را چگونه خواهد دید؟ دره مرگ یا قله ی اقتصاد اروپا؟



بخش اقتصاد بازوج هیئت علمی

محمدامین زارعی، فاطمه میرزایی، ریحانه گرامی

دکتر شهنازی و دکتر دهقان

مهمترین ایده ای که در زندگی گرفتم اینکه در اقتصاد شما به دنبال تخصص بهینه هستید و در هر علم دیگری از این تخصص بهینه باید استفاده کرد، شما با محوریت اقتصاد به تمام سوالات دیگر می توانید پاسخ دهید. مفاهیم پایه ای اقتصاد بیانگر همه واقعیات علوم مختلف است.

دکتر دهقان: قشنگ ترین ایده من مخصوصا در کلاسهای دکتری این بود که وقتی معیارها بزرگ می شوند اتفاقات خیلی خوب و بزرگ اتفاق می افتد به مانند کشورهای چین و هند که با افزایش و استفاده از چنین ظرفیتهایی، در حال تسخیر دنیا هستند. این زیباترین ایده ای بود که سازگار با فطرت آدمی که در رابطه با جمعیت و فرزندآوری بود.

پایان نامه دکتری من هم بخشی از آن در همین باب بود و جالب برای من اینجا بود که در کشور های پیشرفته و مدرن این نرخ رشد همیشه مثبت بوده است.

کجا احساس کردید که راه را درست آمدید؟

دکتر دهقان:

سالهای دوم، سوم کارشناسی بود که از دکتر مرزبان پرسیدم: من کی میتوانم مدرک دکتری ام را بگیرم؟ این جمله را جناب دکتر بیش از من به خاطر داشتند و زمانی که در بخش به عنوان هیئت علمی مشغول به کار شدم آن روز که من این سوال را از ایشان پرسیدم به خاطرم آوردند. از آن زمان بود که احساس کردم راه را درست آمدم.

دکتر شهنازی:

اواخر ترم اول کارشناسی، اوایل ترم به این مهم رسیدم که اقتصاد بهترین رشته برای من بوده است.

چرا خارج از کشور نرفتید؟

دکتر دهقان: در مقطع کارشناسی که امکان نداشت و اواخر ارشد هم باهم ازدواج کردیم و بلافاصله دکتری قبول شدیم و بعد هم به دلیل تولد فرزندانمان هنوز این فرصت را پیدا نکردیم.

کسب و کار خود را چگونه آغاز کردید؟

دکتر شهنازی: از طرح ها و پروژه های تحقیقاتی شروع کردم از زمان لیسانس، یادم است هفته اول کارشناسی ارشد که قبول شده بودم زمانی که کلاسهای رسمی شروع نشده و دانشجویان نیامده بودند، به همه اساتید سفارش کردم که من می توانم در پروژه ها و تحقیقاتی که دارید اگر نیاز به کمک خواستید انجام دهم حالا چه آن کارها را تجربه داشتیم چه خیر. در حال حاضر هم همینطور است. ایده ای که همیشه پشت ذهن دارم این است که اگر دیگری توانسته انجام دهد پس من هم میتوانم.

دکتر شهنازی: من روح الله شهنازی متولد گلپایگان و تا دوران دبیرستان در گلپایگان بودم. لیسانس را دانشگاه فردوسی مشهد و کارشناسی ارشد و دکتری خود را در دانشگاه اصفهان گذرانده ام. یکی از دلایل مهمی که به اصفهان رفتم علاقه قلبی و همکاری با جناب دکتر رنایی بود.

اقتصاد در بدو ورود به دانشگاه از علایق اول من نبود از سال دوم کارشناسی بود که به این رشته علاقمند شدم. بهترین مقطع تحصیلی هم به لحاظ ارتباطی که با دانشجویان و دوستانم داشتم کارشناسی بود و با بسیاری از آنها در حال حاضر در ارتباطم و هم به لحاظ مباحث علمی و هم به لحاظ دستاورد های علمی.

قشنگترین ایده ای که در زندگی گرفتید؟

دکتر شهنازی: اقتصاد تنها رشته ای است که به همه رشته ها مرتبط می شود به فرض مثال اگر به تاریخ، فیزیک، ریاضی، روانشناسی، حقوق، علوم سیاسی و هر رشته ی دیگری را که مدنظر داشته باشید، کاربردی ترین رشته که می توان از این رشته ها استفاده کرد اقتصاد است.

یک بیوگرافی کلی از خودتان داشته باشید. (محل تولد، تحصیل، بهترین مقطع تحصیلی و چرا اقتصاد؟)

دکتر دهقان: من زهرا دهقان متولد شیراز، تحصیلات کارشناسی خود را در دانشگاه شیراز و کارشناسی ارشد و دکتری خود را در دانشگاه اصفهان گذرانده ام. من از اقتصاد پیش زمینه ای نداشتم و تنها چیزی که به من گفته بودند اینکه بازار کار آن در آینده از رشته های دیگر بهتر است. در زمان انتخاب رشته کارشناسی چند مهندسی مدنظر داشتم و بعد از آنها اقتصاد را انتخاب کردم که قبل از انتخاب دهم من بود. از بابت اینکه تجربه اساتید بسیار خوبی را در دوره کارشناسی داشتم و همیشه سعی ام بر آن بوده که از آنها به نیکی یاد کنم، بهترین دوران تحصیل را کارشناسی میدانم چرا که سوای این مسائل اساس روند تحصیلی انسان در کارشناسی پی ریزی می شود.



دکتر شهنازی: فاصله‌ی بین تئوری و عمل صرفاً مربوط به اقتصاد و علوم انسانی نیست و حتی رشته‌های فنی ما هم همین مشکل را دارند. به طور مثال شخصی که در رشته برق دکتری میگیرد، بعد که وارد حوزه عمل می‌شود با مشکل مواجه می‌شود. مشکل اصلی ما برمیگردد به این که آدم‌هایی که ما پرورش میدهیم آدم‌های خلاق و نوآوری نیستند و این‌ها در هر رشته‌ای که تحصیل میکنند به لحاظ تئوری خوب هستند اما به لحاظ عملی با مشکل مواجه میشوند. حال در بحث اقتصاد باید بگویم که اقتصاد یک رشته به شدت کاربردی می‌باشد، شما می‌توانید تمامی تئوری‌هایی که یاد میگیرید را کاربردی کنید. من یک مثال برای شما بیاورم. همه‌ی شما تابع تقاضا را خوانده‌اید و بلد هستید اما آیا می‌توانید تابع تقاضای یک کالا را محاسبه کنید؟



چطور اقتصاد هم مانند رشته‌ای چون پرستاری کاربردی شود که ما بدانیم از علمان در آینده چگونه باید استفاده کنیم؟

دکتر دهقان: لازمه این موضوع این است که در کنار دانشگاه گروهی باشند که متقاضی شما باشند تا بتوانید از علم خود استفاده کنید. اما شکاف بین دانشگاه و صنعت ناشی از عدم ارتباط این دو نهاد با یکدیگر است و علم ما در حد تئوری باقی میماند.

برخی ممکن است اعتقاد داشته باشند که در دانشگاه به ما آموزش نداده‌اند اما بخشی از این موضوع به خود شما برمیگردد که اگر خواهان یادگیری هستید می‌توانید پیگیری کنید و به نتیجه برسید.

البته من این موضوع را هم بگویم که حتی مشکل از خود درس‌ها و سر فصل‌ها نیز میباشد. یک مثال خیلی ساده برایتان بیاورم که ما نزدیک به صد سال است که به فروش نفت مشغول هستیم اما دانشجویان اقتصاد ما یک واحد درس مربوط به نفت در طول تحصیل خود نمیخوانند و این یعنی اینکه که ما سرفصل‌هایمان را از یک کشوری که نفت ندارد کپی کرده‌ایم و به تدریس آن میپردازیم.

مشکل اصلی ما برمیگردد به این که آدم‌هایی که ما پرورش میدهیم آدم‌های خلاق و نوآوری نیستند و این‌ها در هر رشته‌ای که تحصیل میکنند به لحاظ تئوری خوب هستند اما به لحاظ عملی با مشکل مواجه میشوند.
(دکتر شهنازی)

دکتر دهقان: در ادامه صحبت‌های دکتر، ایشان اندوخته‌ای انبوه از دانش در اکثر زمینه‌ها دارند، شما در هر زمینه‌ای با ایشان صحبت کنید آن را مطالعه و تحقیق کرده‌اند. شاید اگر یک روز من هم به دوران کارشناسی برمی‌گشتم راه ایشان را ادامه میدادم.

دکتر شهنازی: اینکه بخواهید فقط یک مکتب را انتخاب کنم مستلزم این است که به مرحله‌ای برسیم که بتوانیم خوب انتخاب و قضاوت کنیم. هر مکتبی ویژگی‌های مثبت و منفی دارد که باید اطلاعاتتان کامل باشد اما با توجه به شرایطی که در حال حاضر در آن زندگی میکنیم در ایران تئوریهای اقتصاد نهادگرایی بیشتر جواب می‌دهد.

دانشجویان بخش اقتصاد دانشگاه شیراز را در منظر استاد چگونه ارزیابی میکنید؟

دکتر دهقان: دانشجویان بخش اقتصاد در سالهایی که من تدریس میکنم و با آنها در ارتباط هستم، نظم و هماهنگی بسیار زیادی در آنهاست و از همان روز اول که درس کلیات را می‌خوانند در آنها درونی شود.

سوال بعد در مورد وضعیت و حیطة‌ی علوم انسانی در جامعه ما است که در سالیان اخیر دیدگاه جامعه و مردم نسبت به آن اندکی بهبود یافته است، نظر شما به عنوان افرادی که در این حیطة تحصیل کرده‌اید و پژوهش داشته‌اید در مورد ورود فرزندان به این حوزه‌ها چیست؟

دکتر دهقان: به علاقه فرزندم احترام خواهم گذاشت. شرایط و ویژگی‌های رشته‌های مختلف را به او خواهم گفت و تصمیم را به خود او واگذار میکنم.

شاید از نظر ما اگر در رشته اقتصاد تحصیل کند بسیار موفق باشد اما ممکن است علاقه‌ی او با علاقه ما متفاوت باشد.

فاصله‌ی مباحث تئوری و عملی در رشته اقتصاد روز به روز بیشتر میشود و این شکاف باعث از بین رفتن نوآوری و موجب مبهم شدن بازار این رشته در آینده می‌شود. وظیفه دانشجویان و اساتید در قبال این موضوع چیست؟ آیا دانشجویان باید ذاتاً نوآور باشند؟

دکتر شهنازی: در زمان ما اینترنت، گوگل از این قبیل ابزار به پرنگی الان نبود و دوستانم هرگاه هر جستجویی در رابطه با مقالات و موضوعات مختلف می‌خواستند از من کمک می‌گرفتند. نکته‌ای که هست این است که شما لزومی ندارد یک مقاله را در ابتدا تمام کلمات و مباحث آن را بفهمید و آنالیز کنید این اتفاق برای شما از مقاله‌های پنج‌هجم، صدهم به بعد برای شما می‌افتد که ببینید همه‌ی آنها یک روند خاصی را مرتباً تکرار میکنند.

خانم دکتر دهقان، یکی از ویژگیهای بارز و آشکار شما انگیزه، پشتکار، تلاش و فعالیت‌های مختلف شما در عین داشتن وظیفه‌ی مادری است، این ویژگی‌ها چگونه به دست آمده است؟ و چگونه این تعادل را ایجاد می‌کنید؟

دکتر شهنازی: از ویژگی‌های فوق‌العاده مثبتی که در خانم دکتر وجود دارد که در تمام موضوعات تلاش خودشان را تا آخر به کار میگیرد تا از آن نتیجه‌ای به دست آورد، این بهترین ویژگی ایشان است.

دکتر دهقان: علاقه و وجود فردی که در زندگی باعث فرسایش شما نشود و او هم همانقدر علاقمند و پیگیر باشد باعث می‌شود که بازدهی فزاینده‌ای به وجود آید. از اول که ما شروع کردیم هدفمان این بود که تا آخر این راه را ادامه دهیم.

احساس میکنید با کدام نظریه پرداز وجه اشتراک بیشتری دارید؟ اگر در زمان حال آن دانشمند زندگی میگردید پیروان مکتب او می‌شدید؟

جای کدام درس را در بخش اقتصاد خالی میدانید؟

دکتر شهنازی: یکسری دروس که حالت آزمایشگاهی داشته باشند. به عنوان مثال دروسی چون اقتصاد خرد و کلان کاربردی که بتواند تئوری‌ها را کاربردی‌تر کند.

نظری کلی شما در مورد تحول علوم انسانی و هزینه‌هایی که صورت گرفته چیست؟

بالا ترین سطح آن فلسفه‌ی علوم انسانی است. اگر بخواهیم بنیادی‌تر بحث کنیم علوم انسانی غربی به درد ما نمیخورد، چون مبتنی بر فلسفه‌ی ای است که با فلسفه‌ی ما متفاوت است.

برای مثال فرض کنید در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی در حوزه‌ی بانکداری اسلامی کاری که انجام داده ایم این است که ما همان بانکداری غربی را گرفته ایم، یک سری از عقود آن را به صورت صوری تغییر داده ایم و در قالب بانکداری اسلامی ارائه داده ایم. اما نکته این است که به لحاظ چارچوب فلسفه‌ی اسلامی و چارچوب اقتصاد اسلامی باید دید که آیا اصلاً نهادی به نام بانک وجود دارد؟ این مسئله است.

بحث دیگر تحول در علوم انسانی این است که ابتدا باید تحول در متودولوژی، در فلسفه، در منطق، در روش‌شناسی و بعد در علوم انسانی و کاربردهای آن ایجاد شود.

میتوان با نگاهی دیگر کمی جلوتر آمد و از تغییرات عمقی گذر کرد و به سراغ تئوری‌های بومی‌تر برویم که بتواند ما را به واقعیات نزدیک‌تر کند و مشکلات جامعه‌ی ما را حل کند.

حال اگر پرسش این است که آیا تحول در علوم انسانی لازم است؟ بله، به شدت لازم است. نه تنها برای ما که حتی برای خود غربی‌ها هم لازم است. برای مثال در آمریکا یک بررسی انجام دادند راجع به اینکه در یک سری علوم از شوروی عقب افتاده بودند و مشکلشان چیست که عقب افتاده اند. در سه سطح مشکلات را تقسیم بندی کردند که باید تحول در آنها صورت پذیرد و یکی از آنها علوم انسانی بود.

سوال بعدی ما از خانم دکتر دهقان است. بیشترین جمله‌ای که از شما در این سال‌ها شنیده ایم این است که (زندگی جدی است) این جمله دقیقاً از کجا نشأت گرفته است که تا این حد به آن باور دارید؟

دکتر دهقان: زندگی خیلی هم جدی است. شما نمیتوانی در زندگی به عقب برگردید و اگر امروز را خراب کردیم نمیتوانیم برگردیم و آن را درست کنیم. در ضمن مگر قرار است که چقدر عمر کنیم؟ عمر ما بسیار کوتاه است و باید برای ذره ذره آن برنامه داشت.

جایگاهی که در حال حاضر در آن هستید همان چیزی هست که قبلاً پیش بینی میکردید؟ آیا از جایگاهتان راضی هستید؟

دکتر دهقان: من از سال دوم یا سوم به این فکر میکردم که باید دکتری بگیرم و آن را پیش بینی میکردم و اگر درگیر موضوعی میشدم باید تا آخر میرفتم.

دکتر شهنازی: من در زمانی به این نتیجه رسیدم که باید در اقتصاد جایزه‌ی نوبل بگیرم و به همین دلیل در آن جایگاه مطلوبم نیستم.

هنوز زمان زیادی دارید؟

دکتر شهنازی: نمیدانم.

هدفی که برای آینده خود پیش بینی کرده اید چیست؟

دکتر شهنازی: به لحاظ علمی همانطور که گفتم هدف من این است که بتوانم در اقتصاد نوبل دریافت کنم و به لحاظ کاری هم هدف گذاری که در ذهن خودم دارم این است که با ایجاد بهبودهای اقتصادی و با انجام یکسری از کارها بتوانم چندین میلیون شغل ایجاد کنم. البته این‌هایی که میگویم چشم‌انداز است و به این‌ها نرسیده‌ام و هنوز اول راه هستم.

دکتر دهقان: من همیشه دوست داشتم یک معلم خوب باشم. معلمی که ضمن سختگیری و آموزش خوب حواسش به زندگی دانشجویان باشد و

تغییرات آن‌ها را هر روز مشاهده کنم. ولی نزدیک بودم به زندگی دانشجویان تأثیری روی سخت‌گیری‌ام ندارد و آن را دخالت نمیدهم.

دکتر شهنازی: البته خانم دکتر به خواسته‌های خود رسیده‌اند. چون بسیار معلم خوبی هستند.

به عنوان سوال آخر به سوالات زیر جواب کوتاه بدهید:

کینز

دکتر دهقان: پدر اقتصاد کلان

دکتر شهنازی: اقتصاد دان واقعی

صدم صدم

دکتر دهقان: نحوه نمره دادن در بخش اقتصاد

دکتر شهنازی: حق بچه‌ها

محسن رنالی

دکتر دهقان: تحلیل گر خوب

دکتر شهنازی: اقتصاد را فهمیده

شیراز

دکتر دهقان: شهر بسیار خوب

دکتر شهنازی: پاک‌ترین کلان‌شهر ایران

انجمن علمی ۹۶-۹۷

دکتر دهقان: انرژی

دکتر شهنازی: فعال

ابر چالش اقتصاد ایران

دکتر دهقان: بیکاری

دکتر شهنازی: مدیریت

مرگ

دکتر دهقان: اگر به موقع باشد قشنگ است.

دکتر شهنازی: زمان راحتی

تولد

دکتر دهقان: آغاز جدید

دکتر شهنازی: مشغله



دستفروشی

فرصت یا تهدید؟



محمد امین زارعی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

همه ما در طول روز و در تعاملات روزمره مان با دستفروشان و رانندگان ماشین های شخصی که در حال مسافر کشی هستند برخورد و از کالا و خدمات ارائه شده توسط آنها استفاده کرده ایم. بسیاری از مردم فعالیت آنها را به دلیل عدم پرداخت مالیات و حتی اجاره بها و البته استقبال نسبتا زیاد مردم از این گونه کالاها و خدمات، سود آور تلقی میکنند، اما بررسی ها بیانگر چیز دیگری هستند.

بانک جهانی، اقتصاد زیر زمینی و غیر رسمی را شامل تمامی فعالیت های تولیدی (کالا و خدمات) تعریف میکند که ممکن است هم از جنبه اقتصادی مولد بوده و هم کاملا قانونی باشد اما به دلایلی مانند فرار از مالیات، اجتناب از مواجهه با استاندارد های خاص بازار کار (مانند حداقل دستمزد یا استاندارد ایمنی) و با اجتناب از درگیر شدن با بوروکراسی اداری، عمدا از مقامات عمومی پنهان میشوند.

اقتصاد غیر رسمی و بطور خاص پدیده دستفروشی در اقتصاد کشورهای پیشرفته سهم پائینی در اقتصاد کلان دارند و به دلیل حمایت های دولت وهمچنین

سیستم های مالیاتی قوی، عمده فعالیت های اقتصادی در چهارچوب حوزه قانونی صورت میگیرد.

اقتصاد غیر رسمی اما در کشور ما خواسته یا ناخواسته توسعه یافته است و طی گزارشی توسط وزارت اقتصاد و دارایی ۳۶/۵ درصد از اقتصاد ایران را شامل میشود. این پدیده ریشه در ضعف های ساختاری و اقتصادی و عوامل نهادی مختلفی چون پاسخگویی دولت، کیفیت خدمات بخش عمومی، حقوق مالکیت، فساد و غیره دارد.

وزارت اقتصاد و دارایی همچنین رابطه ی بلند مدت میان اقتصاد زیر زمینی و نرخ بیکاری در ایران را مثبت اعلام کرده است که این نکته خود مؤید آن است که دستفروشان برای فرار از فلاکت و تکدی گری و نه از روی شکم سیری به این کار روی می آورند.

قدر مسلم آن است که افزایش چشم گیر حجم اقتصاد زیر زمینی و غیر رسمی، حاصل دومینوی خطرناکی است که از ناکارایی دولت در انجام وظایف قانونی و ناتوانی در ایجاد اشتغال پایدار شروع شده و

به ایجاد نارضایتی عمومی، رکود اقتصادی، توزیع نامناسب درآمد، اختلاف طبقاتی، فقر و فحشا و تهدید امنیت داخلی و خارجی منجر خواهد شد.

برخی از اقتصاد دانان معتقدند که اقتصاد غیر رسمی برای کشور مضر و عامل ضد توسعه تلقی میشود اما راه مبارزه با این نوع اقتصاد را ممنوع و محدود کردن و ضرب و شتم نمیدانند. در قوانین موجود در کشور هم البته دستفروشی از جمله رفتارهایی است که ارتکاب و انجام آن تاکنون در

هیچ یک از متون قانونی مورد جرم انگاری قرار نگرفته است و لذا بر مبنای اصل قانونی بودن جرم، نفس اقدام به دستفروشی در کشور ما ماهیتا جرم محسوب نمیشود و بنظر هم نمی رسد که با شرایط اقتصادی موجود، قابلیت جرم انگاری را نیز داشته باشد.

این اقتصاددانان همچنین بیان میدارند که افراد دستفروش امکان استفاده از تسهیلات بانکی و خدمات بیمه و بازنشستگی را ندارند و در صورت از کار افتادگی عملا هیچگونه درآمدی برای آنها وجود نخواهد داشت. لذا باید اقتصاد کشور رشد یابد تا افراد در چارچوب مشخص اقتصادی و در سایه حمایت های دولت درآمد بیشتری را کسب و حتی مالیات پرداخت کنند.

برخی دیگر از اقتصاد دانان نیز معتقدند که به ازای هر دستفروشی که حذف میشود دولت باید هزینه های زیادی را صرف کند تا بتواند شغلی را برای او ایجاد کند و ضمن مخالفت با رویکرد حذفی به این پدیده، بیان می کنند که در شرایط فعلی که

یک سوم اقتصاد کشور را بخش غیر رسمی تشکیل میدهد، دولت ها باید با وضع قوانین و صرف هزینه های لازم (همچون بیمه کردن افراد شاغل در

این بخش و تشکیل اتحادیه) به "رسمی" شدن این مشاغل کمک کنند و شهرداری ها نیز با مدیریت عادلانه تر فضای شهر، در جهت بهبود

شرایط کاری این افراد همت گمارند. در بعضی از کشورهای جهان مانند ترکیه، با ساماندهی و نظارت بر دستفروش ها، از آنها با ارزش افزوده ای به عنوان جاذبه ی گردشگری استفاده میکنند

اخیرا برخی از کشورهای آفریقایی هم به اهمیت خرده فروشی پی برده و برای این فعالیت اقتصادی کوچک غیر رسمی شرایط مساعدی فراهم کرده اند. به عنوان مثال دولت آفریقای جنوبی قراردادی تنظیم کرده است که به موجب آن دستفروشی را جز صاحبان مشاغل دانسته که بر شکوفایی کشور تاثیر دارند و طبق این قرارداد باید محیط مناسبی را برای دستفروش ها به منظور فعالیت اقتصادی شان در نظر گرفته شود.

حال، سوال اصلی آن است که دولت و قانون گذاران برای وارد کردن این فعالیت ها در محدوده اقتصاد رسمی در ایران چه اقداماتی انجام داده اند؟ دولت در واکنش به این پدیده، از بین سازماندهی و یا حذف، کدام را انتخاب خواهد کرد؟

افزایش چشم گیر حجم اقتصاد زیر زمینی و غیر رسمی، حاصل دومینوی خطرناکی است که از ناکارایی دولت در انجام وظایف قانونی و ناتوانی در ایجاد اشتغال پایدار شروع شده و به ایجاد نارضایتی عمومی، رکود اقتصادی، توزیع نامناسب درآمد، اختلاف طبقاتی، فقر و فحشا و تهدید امنیت داخلی و خارجی منجر خواهد شد.





ارائه مدل نظام نوین بانکداری اسلامی



شهره آتش زرمزم
علیرضا شبانی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد



امیرحسین کارشناسی اقتصاد

ماه رمضان با اساتید دانشگاه فرمودند در اقتصاد مقاومتی گریه‌هایی وجود دارد که شما باید آن را برطرف کنید.

وقتی بانک داری وارد جوامع اسلامی شد فقها اسلامی مخالف بودند اما به دلیل اینکه جامعه در دست مومنین نبود بانکداری سیطره خود را پیدا کرد و رواج یافت به همین دلیل در این راستا عده ای از فقها راه های تعامل با بانک را رقم زدند. فقها به این نتیجه رسیدند که یک سری عقود بانکداری شکل بگیرد و بانکداری بتواند در قالب شرعی رواج پیدا کند. اما همچنان مشکلات فقهی بانک وجود دارد.

دیدگاه تصحیح گرا در حوزه فقهی این دید را دارد که این امکان وجود دارد که بانک داری را تصحیح کرد اما شواهدی وجود دارد مبتنی برسوری بودن

عقود اسلامی که نشان دهنده ربای قطعی است. اگر عقود اسلامی و بانکداری را مطالعه کنیم متوجه می شویم از دیدگاه فقهی تناسبی میان بانک و عقود اسلامی وجود ندارد.

ایشان در ادامه بیان کردند که این امکان وجود دارد که بانک وجود نداشته باشد و یک ساز و کار دیگر جایگزین بانک گردد که از نظر اسلام کاملا شرعی باشد و کاملا اقتصادی باشد. پس در این زمینه و

برای برطرف کردن ربا ابتدا رویکرد را بیان کردند سپس طرحی را مطرح کردند که شامل سه نظام است.

نظام اول:

ابتدا نیازهایی را که بانک پوشش می دهد را لیست کردیم که عبارت اند از:

حساب های جاری ، کارت های بانکی و خدمات دریافت و پرداخت و کار کرد بانک برای پوشش نیاز به قرض الحسنه می باشد. بخش دیگر مربوط به افرادی است که پولی در اختیار دارند و به دنبال به دست آوردن سود از این پول هستند؛ افرادی که متقاضی سرمایه هستند و...

حالا به دنبال این هستیم: این امکان وجود دارد که برای این نیازها با لحاظ سنجش نیاز، نهادی طراحی کرد و چه امکانات و محدودیت هایی برای تامین نیاز وجود دارد. سپس بینیم آیا تناسب سنجی میان نیازها وجود دارد؟ در راستای نیازها سه نهاد استخراج شده است.

نهاد اول: شبکه خدمات و قرض الحسنه که دو نیاز را پوشش می دهد:

۱. نیاز به خدمات پولی
۲. نیاز به قرض الحسنه

نهاد دوم: نهاد دریافت و پرداخت، که کار اصلی آن ارائه خدمات پولی است و نهاد امور تسهیلات که با رعایت ضوابط عدالت محور، به متقاضیان تسهیلات قرض الحسنه اعطا کند.

نهاد سوم: نهاد تامین به این منظور ایجاد شود که نیروی انسانی هزینه های عملیاتی و تجهیزاتی را فراهم کند.

نظام دوم: بازارهای سرمایه گذاری

برای تامین نیاز کسانی ایجاد شده است که وجوه مازاد دارند و می خواهند با سرمایه خود سودآوری کنند، و هم

چنین تامین نیاز افرادی که به سرمایه نیاز دارند. افراد می توانند ارائه طرح کنند و هزینه های طرح برآورد شود و همچنین

این نظام باید به گونه ای باشد که مردم به آن اعتماد داشته باشند و حاکمیت نیز از آن حمایت قانونی به عمل آورد.

نظام سوم: نظام تخصصی بازارهای کالا و خدمات فرانقد

یک سری بازارهای تخصصی در حوزه های مصرفی یا سرمایه ای است. مثلا در بخش تخصصی خودرو که علاوه بر خرید نقدی، خرید نسبه هم می توانیم داشته باشیم. در این بازار می توان بدون واسطه گری بانک کالا خریداری شود. در زمینه کالا و خدمات سرمایه ای نیز عملاتی که نمی خواهند کار مشارکتی انجام دهند یعنی تمایل به انجام کارهای مستقل سرمایه ای دارند آنها می توانند از بازارهای تخصصی کالا و خدمات سرمایه ای در حوزه های مختلف مانند ساختمان و... خرید کنند. کسانی می توانند از این بازارها خرید کنند که اعتبار داشته باشند.

دکترسید عقیل حسینی، منتقد مباحث ارائه شده توسط حجت الاسلام حسینی گفت:

اولین نقدی که به صورت جدی به این بحث وارد است در حیطه خرد نقدهای نهادگرایانه است. نهاد از نگاه نهاد گرایی، قواعد بازی است. قواعد بازی در نهادها مبتنی بر یکسری هنجارهاست. این هنجارها به نوعی تعیین کننده قواعد تقویم گر نهادها هستند. به عقیده کانت دو دسته قواعد داریم: قواعد تقویم گر و قواعد تنظیم گر. قواعد تقویم گر وجود و هستی یک نهاد را تحقق می دهد و قواعد تنظیم گر بخش های بعدی را سامان می دهد. تا وقتی قواعد تقویم گر شکل نگیرد یک نهاد اساسا به وجود نمی آید. نقدی که در بحث مطرح شده وارد است، این است که به

دیدگاه تصحیح گرا در حوزه فقهی این دید را دارد که این امکان وجود دارد که بانک داری را تصحیح کرد اما شواهدی وجود دارد مبتنی برسوری بودن عقود اسلامی که نشان دهنده ربای قطعی است. اگر عقود اسلامی و بانکداری را مطالعه کنیم متوجه می شویم از دیدگاه فقهی تناسبی میان بانک و عقود اسلامی وجود ندارد.

قواعد تنظیم گر توجه شده است. وی اشاره کرد یکی از مشکلات اساسی نظام بانک داری، سوری بودن عقود است که ناشی از عدم انطباق بین قواعد تقویم گر و تنظیم گر در ایران است. ما در کشور با مسئله ای به نام توسعه رو به رو هستیم و درکی که از توسعه وجود دارد به نوعی جدال بین سنت و مدرنیته است. در نهاد بانک قواعد تنظیم گر تا حدی مبتنی بر مبانی سنتی نوشته شده

است. اما قواعد تقویم گر که هویت یک نهاد را نشان می دهد مبتنی بر مدرنیته است. ایشان اضافه کردند که نظام نیازها خود زیر مجموعه ای از نظام هایی کلی تر است که در جامعه وجود دارد. وقتی جامعه ما با شیب تندی به سمت مدرنیته می رود و قواعد تقویم گری که در جامعه ما در حال شکل گیری است و همچنین نیازهایی که شکل گرفته عمدتاً نیازهایی هستند که با نهادهای مدرن باید به آنها پاسخ داده شود در واقع احیا کردن نهادهای سنتی شاید چیزی به جز دامن زدن به همین وضعیت سوری فعلی نباشد.

دومین نقدی که ایشان بیان کردند این است که در بحث مطرح شده نگاهی که وجود دارد خرد نگر است. در واقع یک سری روابط فردی و خرد در این نهاد مالی دیده می شود. اما یک وجه مهم نظام مالی وجه کلان آن است. از طرفی چون هدف نظام سرمایه داری انباشت سرمایه است یک نهادی مانند بانک در آن شکل می گیرد که کشور ما نیز

رفته رفته به سمت نظام سرمایه داری نزدیکتر می شود. نهادی مانند بانک در واقع یکی از نهاد های اصلی این نظام می باشد. نظام بانک فقط برای پاسخ دهی به نیازها به وجود نیامده بلکه نظام سرمایه داری یک هدفی دارد و

اقتصاد کشور ما در واقع سرمایه داری نیست بلکه رانت بنیاد یا فساد بنیاد است. در اقتصاد کشور ما حتی اسلامی ترین نهادها ضد اقتصاد مقاومتی عمل می کنند به طور مثال حاضر نیستند از قاچاق یا فساد مالی جلوگیری کنند.

متناسب با هدفش نهاد های مورد نیاز را طراحی می کند که یکی از این نهادها بانک است. در واقع بانک جز جدا نشدنی نظام سرمایه داری است. پس باید به نگاه های کلان و سیستمی توجه شود.

دکتر پرویز رستم زاده، منتقد مباحث مطرح شده توسط حجت الاسلام حسینی نیز گفت:

در بحث ارائه شده قراردادهای موجود را خرد کرده و آنها را به سه قسمت تقسیم کردند. در واقع نظام را تغییر ندادید بلکه در حالت بسیار خرد یکسری راه حل ارائه کردید تا این قراردادها به خوبی انجام پذیرد. بهتر است همین نظام بانک داری را بهبود ببخشیم و آن را به نظام بانک داری بدون ربا تبدیل کنیم. در بحث مطرح شده یک نکته مهم وجود دارد که دارایی های مردم را اعتبارسنجی کنیم اما این کار امکان پذیر نیست. از طرفی به طور مثال وقتی فضای سفته بازی سود بالایی دارد دیگر انگیزه ای برای سرمایه گذاری در بخش تولید باقی نمی ماند. در واقع با توصیه نمی توان مردم را از

سرمایه گذاری در یک بخشی مانند سفته بازی به سمت تولید سوق داد. ایشان دوباره تاکید کردند در بحث ارائه شده نظام نوین اسلامی دیده نشد بلکه همین قراردادهای موجود را خرد کرده و راهکارهای خوبی ارائه دادید. در بعضی مواقع مشکل از بانک نیست بلکه مشکل از رفتار خود مردم است. پس نقش مردم یک نقش اساسی است. ایشان این سوال را از حجت الاسلام حسینی پرسیدند که در این نظام چه چیز

جدیدی ارائه را کرده اید؟ و همچنین دکتر روح الله شهنازی به عنوان آخرین منتقد این برنامه، بیان کردند: کار صورت گرفته به صورت علمی انجام شده است. یعنی با مسئله شناسی شروع شده، راه حل ارائه شده و تا سطح نهاد سازی هم پیش رفته است. اما آیا این مسئله شناسی که صورت گرفته است مسائلی است که در اقتصاد اسلامی وجود دارد یا اینکه مسائلی است که در پارادایم اقتصاد سرمایه داری شکل می گیرد؟ یعنی چون ما در پارادایم اقتصاد سرمایه داری زندگی میکنیم و فکر میکنیم، به این مسائل برخورد کردیم؟ شکی نیست که ما به راه حلی برای بانک داری موجود نیازمندیم ولی آیا می توانیم اسم آن را نظام مالی اسلامی بگذاریم؟ به لحاظ اقتصادی در کشور مشکلات علمی داریم و به جای اینکه بیش تر بحث ها تئوریک و علمی باشد بحث ها در حوزه اجرا است. مسئله دیگری که وجود دارد این است که اقتصاد کشور ما در واقع سرمایه داری نیست بلکه رانت بنیاد یا فساد بنیاد است. در اقتصاد کشور ما حتی اسلامی ترین نهادها ضد اقتصاد مقاومتی عمل می کنند به طور مثال حاضر نیستند از قاچاق یا فساد مالی جلوگیری کنند. این راهکاری که در بحث مطرح شد شاید کمک کننده باشد.

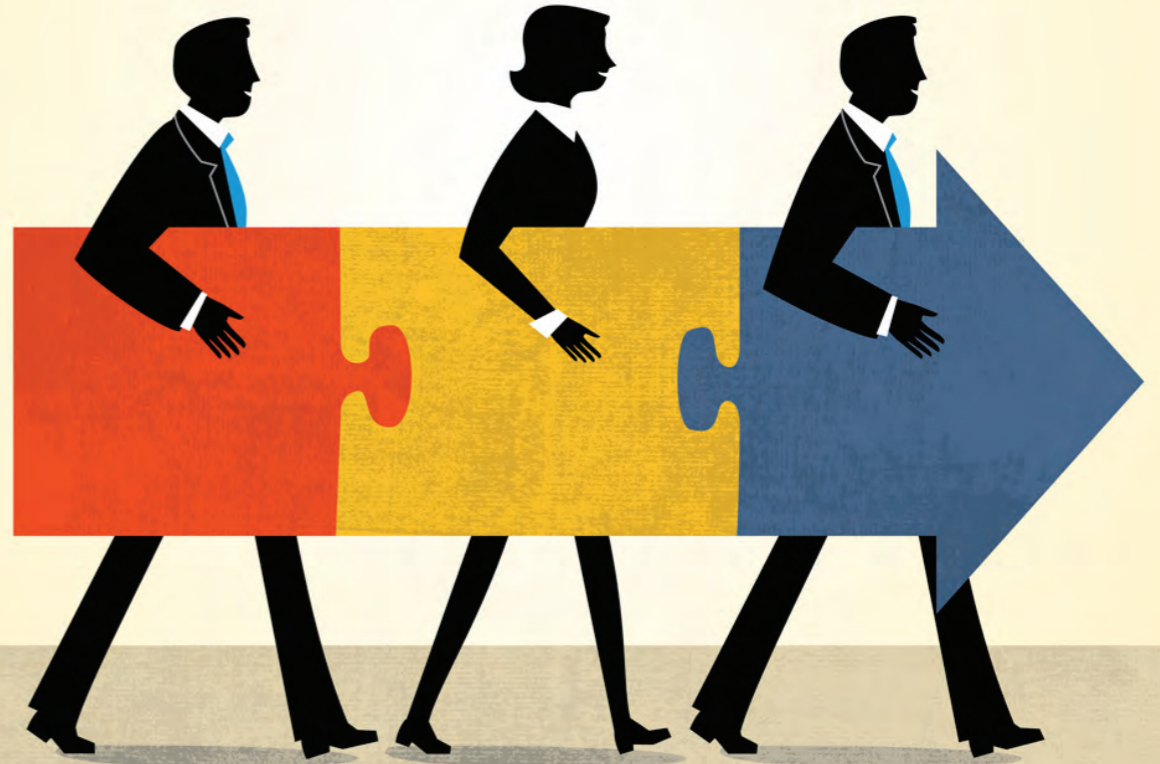
اسلام وقتی با ربا مخالف است در واقع با ساختار ربوی مخالف است یعنی بانکی که نمی توان از آن ربا را حذف کرد نباید موجود باشد. ما به بانکداری برچسب های اسلامی زدیم و آن را وارد سیستم کشور کردیم. این بانک داری در تئوری هم مشکل دارد زیرا عقود شرعی در غالب بانک قابل اجرا نیست.

بحثی که وجود دارد این است که فرض کنیم بانکداری بدون ربا در سطح تئوری مشکل ندارد، اما مشکل اینجاست که در اجرا با مشکل مواجه می شود و در آخر آیا طرح ارائه شده در عمل قابلیت اجرا دارد یا خیر؟

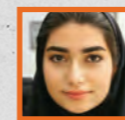
حجت الاسلام حسینی در پاسخ به نقد های مطرح شده گفت:

در بحث قواعد تقویم گر و تنظیم گر که ایشان فرمودند، خیلی از افراد تصور میکنند که اقتصاد اسلامی به معنای مهربانی، منصف بودن در معاملات و... است. اما واقعیت این است که نگاه اسلام به بحث اقتصاد در یکسری حوزه ها این است اما در حوزه های اصلی نگاه ساختاری دارد، به این منظور که باید ساختارها را درست کرد. ما ابتدا باید نیاز های مردم را شناسایی کنیم یعنی نیازهایی که به خاطر آن به بانک مراجعه میکنند سپس بر اساس قواعد موجود ساختار تعیین کنیم. افراد در این ساختار تربیت می شوند. بانک داری موجود انسانها را بداخلاق میکند و حتی روابط اجتماعی را بهم می ریزد. ساختارها، روابط انسانها را تنظیم میکند. اسلام وقتی با ربا مخالف است در واقع با ساختار ربوی مخالف است یعنی بانکی که نمی توان از آن ربا را حذف کرد نباید موجود باشد. ما به بانکداری برچسب های اسلامی زدیم و آن را وارد سیستم کشور کردیم. این بانک داری در تئوری هم مشکل دارد زیرا عقود شرعی در غالب بانک قابل اجرا نیست.





توسعه و تجدد



ریحانه گرامی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

در مقاله‌ی حاضر سعی میکنم در نقد و بررسی تجدد و توسعه با تکیه بر اطلاعات، بازخوانیها و گاه تفسیر و برداشت خودم، توضیحی به دست بدهم که در عین حال ساده، موجز و متعادل باشد.

قبل از شروع بحث به این نکته اشاره می‌کنم که باید به غرب در دو مفهوم نگاه‌ی داشته باشیم: ۱- غرب سیاسی، مجموعه نظام‌های حاکم بر کشورهای اروپا و ایالات متحده‌ی آمریکا میباشد که لزوماً بازتابنده ارزشهای تمدن مدرن نیستند. و سیاست‌هایی که اعمال می‌کنند در بسیاری اوقات تابع سلوک تمدنی غرب نمیشد و تابع مناسبات و منافع امتداد یافته استعماری در بستری تازه بازار جهانی نیست.

۲- مفهوم تمدنی به معنای منظومه‌ای فلسفی، فکری، فرهنگی و سیاسی و منظومه‌های زیبا شناختی و معماری و ادبی هنری است که لزوماً غرب سیاسی نمایندگی نمیکند.

شاید اصطلاح مدرن را فقط با واژه‌ی مدرن بتوان معادل دانست. چون حامل بار فلسفی، سیاسی و تاریخی است. هر چند آن را به فارسی، نو، جدید، امروزی ترجمه کرده‌اند اما هیچ کدام معنی مدرن را افاده نمی‌کنند. مدرن دارای تعاریف بسیاری است. اما روی بعضی از تعاریف اتفاق نظرهایی وجود دارد. مثلاً این تعریف که مدرن را یک دوره‌ی تاریخی و در نتیجه، زمان مند و مکان مند تعریف می‌کنند. و آن عبارت است از ویژگیها و خصوصیات آن که در طی تقریباً سه قرن تا به امروز در شیوه‌ی زندگی اجتماعی و تشکیلات مرتبط با این شیوه‌ی زندگی نهادینه شده است و وجود دارد. البته عده‌ای هم معتقدند دوره‌ی تاریخی تجدد رو به پایان و افول است. حتی اگر بپذیریم که چنین است باز هم به دلیل پانهادن در این مسیر ضرورت تام دارد به شناخت آن همت گماریم تا اشتباهات را تکرار نکنیم. به علت عدم شناخت و روی آوردن به آن خیلی از جوامع بدون این که از مواهب مدرن شدن بهره ببرند با عوارض عدیده آن دست به گریبان هستند و شیرازه جامعه‌شان سست گردیده است.

در دوران مدرن همراه با حاکمیت عقلانیت در جامعه‌ی بورژوازی غربی، بحران جنگ جهانی دوم و آنارشیسم شکل گرفت و

پوزیتیویسمی که مارکسیست‌ها بدان جان مایه دادند تا نظم ثابتی از جهان را به پیروان خود تحمیل کنند و در نهایت برآیند تمام این برآمده‌ها به تیلوریسمی منتهی شد، شد که مردم زیر سپهری از بمباران‌های تبلیغاتی و پیام‌قرار گرفتند تا مصرف کنند، مصرف کنند و مصرف‌تا سود پایه همه مناسبات در تعادل بخشیدن به جامعه‌ای شود که فهم آن برای ما ساده نیست. مثلاً پیروی از دستورات پلیس صرفاً تهذیب اخلاق نیست، بلکه باور به آن است که گاه قاعده‌های توفیق اجتماعی به نام علم تدوین شد و تجدد به توانایی بیشتر اجتماع بر روی خود تعبیر گردید و روشن‌فکرانی آن را کارگزار قدرت و اعمال فشار دانستند و گاه عده‌ای تعریف خود از تجدد را تغییر دادند و عده‌ای هم به توقف تاریخ رای دادند. و اما بعد، در واقع سیطره یافتن در ذات تجدد است * (حتی در برابر طبیعت سعی می‌کرد و می‌کند که آن را به تسخیر خویش درآورد و نه اینکه همراه آن باشد، پس نسبت انسان با طبیعت و جامعه‌ی خودش نیز دستخوش تغییراتی بنیادین شده است).

اصولاً بحث توسعه فقط در کشورهای جهان سوم مصداق دارد. اما بر ضرورت و لزوم آن به طور نسبی اتفاق نظر وجود دارد.

پس وقتی پذیرفتیم توسعه برای ما ضرورت دارد و نمی‌توان جامعه را به شکل قدیم و سنتی اداره کرد به این پرسش حیاتی می‌رسیم که سال‌هاست اندیشمندان کشورهای جهان سوم مطرح کرده‌اند و هر یک بنا به مشرب‌های فکری خود پاسخ داده‌اند. و آن پرسش این است که "چگونه توسعه‌ای می‌خواهیم و آیا می‌شود این توسعه با رعایت پاسداشت مؤلفه‌ها و عناصر جامعه‌ی خودمان باشد؟ یعنی درون‌زا باشد." کشورهایی که با روش و منش خویش خودشان را اداره می‌کردند وقتی قدم در راه توسعه و مدرن شدن می‌گذاشتند کاملاً تحت الشعاع کشورهای مادر (متروپل) قرار می‌گرفتند. همین‌جا باید بگویم حالت روانی مردم اینگونه کشورها در هاله‌ای از حسرت نسبت به کشورهای غربی قرار می‌گیرد.

معمولاً در این کشورها بعد از استفاده از زور به ترتیب اشکال ذیل عمل شده است:

در مقطع نخست مراد رشد یا توسعه‌ی اقتصادی بود. که در این مرحله، توسعه با الگوگیری مستقیم از کشورهای غربی و اقتصاد آن‌ها وارد برنامه‌ی این کشورها شد. در مقطع دوم توسعه‌ی اقتصادی به همراه توسعه‌ی سیاسی مطرح شد.

به دلیل شکست برنامه‌های توسعه نظریه‌ی جدید بر این عقیده بود که عدم توسعه در این کشورها به دلیل وجود موانع فرهنگی بالاخص تفکرات سنتی است.

پس در مقطع سوم توسعه فرهنگی نیز وارد شد. یعنی آخرین ضربه‌های ساختاری، اجتماعی و فرهنگی به جهان سوم. زیرا که برای توسعه یافتگی باید این طلب به صورت ذهنیت در رفتار و روحیات پدید آید. دنیا خواهی برای کسب سود! حال آنکه سرمایه‌گذاری و کسب سود برای سنت موضوعیتی نداشته است. در سنت درآمد به مقداری است که انسان عزت نفس خویش را حفظ کند.

همانطور که گفتیم رشد اقتصادی و مصرف‌گرایی از لوازم توسعه است.

در حالی که به قول پروفیسور نصر "این غیرممکن است که در یک سیاره‌ی محدود با منابع محدود و تعادل آسیب‌پذیر، که حیات انسان بدان وابسته است، رشد نامحدود اقتصادی داشت." اگر در غرب تحولی ایجاد شده است حاصل اندیشه‌ها و منش مردمان غربی بوده است. که در نهایت به رنسانس انجامید و پس از رنسانس است که این تجلیات در قالب علم، صنعت، تکنولوژی و نظام‌های سیاسی اقتصادی و روابط انسانی تجلی می‌یابد.

خلاصه‌ی کلام این‌که در عصر تجدد تفکر مدرن از دایره‌ی جوامع غربی بیرون آمد و می‌توان گفت تمام جهان را در ید قدرت خود گرفته است و شاید کمتر کشوری باشد که با تجدد مخالفت کند و رو به آن نداشته باشد.

روح تجدد باعث شد کسانی بیش از آن که بخواهند دنیای جدیدی بسازند تمایل داشتند افق‌های کشف نشده‌ای را بیابند. یعنی مرتب نظم‌ها را به هم می‌ریختند و ما مرتب به وضع موجود آن‌ها نگاه می‌کردیم و سعی می‌کردیم مانند آن‌ها شویم و فکر می‌کردیم جدید شده ایم. حال آنکه این کشورها و از جمله کشور ما به جای تن دادن به حوالت تاریخی مدرنیته، صرفاً آثار و ثمرات آن را می‌خواستیم و طلب می‌نمودیم.

کوتاه سخن این‌که مصرف‌کنندگان عقلانیت مدرن الزاماً مدرن نیستند. زیرا از این عقلانیت بهره‌ای نبرده‌اند و به همین دلیل نه در متن که در حاشیه‌ی این جهان مدرن قرار دارند و علی‌رغم وابستگی شدید به آن از آن بیگانه‌اند. شاید بتوان گفت ژاپن تنها کشوری است که در طلب مدرن شدن به زمینه‌های آن اهتمام ورزید و به طلب عقل انتقادی به عنوان پیش شرط اصلی برآمد و در این راه موفق شد.



اقتصاد نفتی



علیرضا هادی پور
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

مضرات اقتصاد نفتی

۱. کشور ایران به دلیل مقابله فکری و سیاسی با استکبار از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون مورد حمله های فراوان تحریم اقتصادی بوده است که بخش عمده اثرگذاری این تحریم ها به دلیل اقتصاد نفتی است به عبارت بهتر زمانی که یک کشور از راه فروش نفت بودجه سالیانه خود را تامین میکند با بسته شدن راه فروش نفت عملاً فلج شده و تن به تسلیم در برابر استکبار میدهد.

۲. میدانیم در دنیا کشور های نفت خیز زیادی حضور دارند که از تکنولوژی و نیروی کار پیشرفته ای برخوردار هستند و زمانی که کشور نتواند در این حوزه پیشرفتی

قصدم دارم در این یادداشت در مورد اقتصادی نفتی و برخی مضرات و راه های رهایی از آن مطالبی را بیان کنم:

برحسب تعریف اقتصاد نفتی به اقتصادی گفته میشود که در آن موتور محرک و بخش اعظم بودجه آن از راه فروش نفت و مشتقات آن تامین شود

همبسو و با سرعت بالا داشته باشد از نظر فنی دچار عقب افتادگی شده و این عقب افتادگی نیز عملاً اقتصاد نفتی را به نابودی میکشاند.

۳. اقتصاد نفتی باعث میشود دولت هایی که به راحتی از راه فروش نفت بودجه عمومی و عمرانی و غیره خود را تامین میکنند دیگر به فکر کار های سخت و پیچیده مانند توسعه صنایع و کشاورزی و فناوری و غیره نباشند و این شیوه ی اداره کشور باعث میشود تنها در حوزه های پیش پا افتاده و غیر

ضروری پیشرفت هایی صورت گیرد و عملاً بخش های استراتژیک کشور با عقب ماندگی روبرو شوند.

۴. اقتصاد نفتی یکی از اصلی ترین دلایل بیکاری و رکود کشور میباشد به این دلیل که دولت ها به جای توجه به بخش عمرانی کشور با فروش نفت فقط و فقط به بودجه ی عمومی توجه میکنند و با واردات بی رویه عملاً بخش های پول ساز دیگر را به نابودی میکشاند مثلاً در حوزه کشاورزی کشور هلند با مساحتی کمتر از سه استان شمالی کشور بیش از دو برابر پول نفت ایران پول سازی میکند ولی در ایران دولت ها به جای توجه به این بخش و بخش های دیگر به فکر واردات بوده و هستند و میبینیم که خیل عظیم بیکاری و رکود در کشور نیز از این حوزه نشعت میگیرد.

در قسمت مضرات به این جمع بندی میرسیم که

اقتصاد نفتی برای کشوری مانند ایران که در تمامی حوزه ها به شرط توزیع عادلانه منابع حرفی برای گفتن دارد و میتواند به راحتی ظرف مدت کوتاهی به یک کشور ثروتمند واقعی تبدیل شود سم مهلک و کشنده ایست که در دولت ها به رغم شعار های فراوان هیچگونه توجهی به آن نمیکند و تنها دلیل اسیب پذیری کشور نیز همین اقتصاد نفتی هست.

اقتصاد نفتی یکی از اصلی ترین دلایل بیکاری و رکود کشور میباشد به این دلیل که دولت ها به جای توجه به بخش عمرانی کشور با فروش نفت فقط و فقط به بودجه ی عمومی توجه میکنند و با واردات بی رویه عملاً بخش های پول ساز دیگر را به نابودی میکشاند مثلاً در حوزه کشاورزی کشور هلند با مساحتی کمتر از سه استان شمالی کشور بیش از دو برابر پول نفت ایران پول سازی میکند.

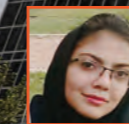
برخی راهکارهای اساسی و قابل اجرا در جهت رهایی از اقتصاد نفتی

۱. با توجه به سیاست های اقتصاد مقاومتی یکی از اصلی ترین راه های رهایی از اقتصاد نفتی توجه دولت ها به تمام بخش های و ظرفیت های داخلی است که متأسفانه این رویه اجرایی نمیشود و روز به روز با پیشی گرفتن واردات بر صادرات و از طرف دیگر صادرات بیش از ۴۸.۹۰٪ مواد نفتی به ارزش ۱۷۰۴۵.۹۲۳.۵۱۶ دلار این سم مهلک بیشتر به بدنه ی اقتصادی تزریق میشود.

۲. پیگیری و بستر سازی در جهت رشد و توسعه صنعت های پولساز مانند گردشگری و پزشکی و فناوری اطلاعات و کشاورزی بهینه و هدفمند و هزاران هزار صنعت دیگر که توانایی به شدت بالایی در جهت از بین بردن ابر چالش هایی مانند بیکاری و رکود و غیره دارا میباشد و میتوانند ایرانی آباد و سر بلند را ساخته و به جهان عرضه کنند.

در پایان آرزو دارم این یادداشت بتواند برای ما دانشجویان به عنوان چراغ راهی باشد تا با مطالعه آن در جهت پیشرفت و آبادانی کشور عزیزمان ایران گامی موثر برداشته و به جهان ثابت کنیم ما میتوانیم.

بانکی نظام اصلاح راهکارهایی برای



سامانه سامیمی
رئیس‌کلان کمیسیون
مصرف و اعتبارات



رشد فعالیت های اقتصادی، کاهش نرخ تورم، ثبات نرخ ارز و نیز تقویت جایگاه نظارتی بانکها، تدوین قوانین ومقررات، سیاستها و بخشنامه های جامع متناسب با واقعیتهای ارزشی، اقتصادی واجتماعی جامعه میتواند به بهبود عملکرد نظام بانکی کشور کمک کند.

مطالعه ی تجربه کشورهای دیگر نشان میدهد که برای رفع مشکل مطالبات می توان با شفاف سازی اطلاعات بانک ها به جداسازی بانک های سالم از غیرسالم پرداخت و بانک های غیرسالم را در یکدیگر ادغام نمود. سپس با نظارت مستمر بر فعالیت بانک ها توسط بانک مرکزی مستقل یا نهاده مالی مستقل دیگر، از افزایش مطالبات معوق جلوگیری کرد.

برای مثال کره جنوبی از سال ۱۹۹۶ دچار شرایط رکود اقتصادی همراه با نرخ بهره بالا و هزینه های دستمزد بالا شد. دولت برای حمایت از بنگاه های بزرگ، بانک ها را موظف به اعطای تسهیلات تکلیفی کرد. با این حال بنگاه ها ورشکسته شدند. در چنین شرایطی حاکمیت کره جنوبی از صندوق بین المللی پول کمک گرفت که ۵۷ میلیارد دلار را طی مراحل به شبکه تزریق کرد.

در مرحله اول بانک مرکزی دو نهاد را تشکیل داد: یک نهاد به نام "شرکت مدیریت دارایی های کره" که تسهیلات غیرجاری بانک ها را با قیمت تنزیل شده خریداری و در بازار می فروخت. نهاد دوم "نظارت ارشد مالی" نام داشت که با فروش بخشی از سهام دو بانک بزرگ کشور به شرکای حقوقی خارجی معتبر، علاوه بر استفاده از سرمایه، دانش مدیریتی و فنی آنها را نیز وارد کرد.

در مرحله دوم بانک ها به نقدینگی دست یافتند و در مراحل بعد فرآیند اعتبارسنجی در بانک ها به نهاد نظارت ارشد مالی سپرده شد و فعالیت هایی از قبیل کاهش شعب بانک صورت گرفت. کره جنوبی در حال حاضر از سیستم سالم بانکداری در جهان برخوردار است.

بانکی کشور در شرایط فعلی با آن روبه رو است افزایش وام های بد و به دنبال آن افزایش مطالبات نکول شده در شبکه بانکی است. انباشت مطالبات معوق سبب خارج شدن بخشی از دارایی بانک ها و

از بین رفتن تعادل بین دارایی و بدهی می شود که بانک ها را با ریسک نقدشوندگی مواجه می کند و از طرف دیگر قدرت اعتباردهی بانک ها را کاهش می دهد.

به این معنا که با افزایش اعتبارات سوخت شده تمایل بانک ها در اعتباردهی در پروژه ها کاهش می یابد در نتیجه وظیفه تامین مالی بانک ها دچار خدشه می شود.

افزایش مطالبات معوق در بانک ها ناشی از تداوم نرخ تورم دورقمی، تغییرات ناگهانی نرخ ارز و افزایش آن، شرایط رکود اقتصادی، عدم استقلال بانک مرکزی به جهت قانونی و عملیاتی، عدم وجود نظام نظارتی روشمند و بسیاری عوامل دیگر است.

در دنیای معاصر بانک ها نقش قابل ملاحظه ای را در رشد و توسعه ی نظام های اقتصادی برعهده دارند. چرا که امروزه رشد اقتصادی، افزایش رفاه و

بهبود سطح زندگی در هر کشور به میزان سرمایه گذاری هایی که از طریق شبکه بانکی تحقق پیدا می کند بستگی دارد. بدون وجود یک شبکه ی مناسب بانکی امکان تجهیز پس اندازهای کوچک وانتقال آنها جهت سرمایه گذاری وجود ندارد. در کشورهای

در حال توسعه به علت پایین بودن درآمد سرانه از یک طرف ومیل نهایی به مصرف بالا از طرف دیگر، میزان پس اندازها و منابع مالی اندک و پراکنده می باشد. لذا بانک ها ومؤسسات پولی در این کشورها نقش مهمتری ایفا می کنند با این حال، غلبه انگیزه سودجویی و بی توجهی به ماهیت حقیقی پول، باعث بروز انحرافات در ساماندهی اقتصادی شده و رشد و توسعه اقتصادی را با چالش های جدی مواجه کرده است. یکی از مشکلاتی که سیستم

یکی از مشکلاتی که سیستم بانکی کشور در شرایط فعلی با آن روبه رو است افزایش مطالبات نکول شده در شبکه بانکی است. افزایش وام های بد و به دنبال آن افزایش مطالبات نکول شده در شبکه بانکی است. انباشت مطالبات معوق سبب خارج شدن بخشی از دارایی بانک ها و از بین رفتن تعادل بین دارایی و بدهی می شود.

ساختار گرایان چه می گویند؟



دکتر پرویز رستم زاده
عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شیراز

اولین کمک آمریکاییها به علم اقتصاد و تاریخ عقاید اقتصادی از همین مکتب ساختارگرایی انجام شد. داعیه داران این مکتب اقتصادی، توریستین و بلن، جان کامنز و وزلی میچل بوده است. این مکتب اواخر سالهای ۱۸۸۰ در آمریکا توسعه یافته که تحت تأثیر مکتب تاریخی آلمان قرار گرفته بود (گرچی، ص ۶۹). مکتب ساختاری یک روش تحقیق است که فروض اثبات گرایی (empiricism) و تجربه گرایی (positivism) در اقتصاد را به چالش کشیده است (پالما، ص ۵۲۹). در واقع این مکتب استدلال می کند که عوامل تاریخی، اجتماعی و ساختاری که قوانین اقتصادی را شکل می دهند باید در اقتصاد و توصیه های سیاستی مورد توجه قرار بگیرند و بسیاری از عوامل در اقتصاد تحت تأثیر وقایع تاریخی که دائماً در حال تغییر هستند قرار گرفته و این وقایع چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم، از طریق ساختارها و جامعه ای که فرد را احاطه نموده اند بر روی او تأثیر گذاشته اند. ویژگی اصلی مکتب ساختاری و ساختارگرایان این است که موضوع تحقیق خود را یک نظام (system) می دانند و روابط متقابل میان بخشهای یک کل را به

جای مطالعه مجزای بخشهای مختلف مورد بررسی قرار می دهند (همان). بطور مشخص تر، رویکرد مکتب ساختاری مورد قبول نظریه هایی است که معتقدند مجموعه ای از ساختارهای اقتصادی و اجتماعی غیر قابل مشاهده ای وجود دارد که پدیده های اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده را ایجاد می کند. این مکتب، ارزیابیهای خود را منحصر به مطالعات تاریخی نکرده، بلکه توجه زیادی به سیاستگذاری های اقتصادی در سطح کل داشته است. نتایج تحقیقات آنها سیاستهای اقتصادی حمایتی را به عنوان ابزاری برای ارتقاء و پیشرفت اقتصاد به دنبال داشته است. میچل که از بنیانگذاران این مکتب است معتقد بود که اقتصاد دانش رفتار انسان است. او بر این باور بود که آینده علم اقتصاد بستگی به این دارد که ما بیشتر به سمت تحقیق و بررسی رفته و کمتر توجه به تفویزه کردن آن داشته باشیم. (گرچی، ص ۷۲).

طرفداران این مکتب اقتصادی تأکید داشتند که باید اقتصاد را بصورت کلی و بعنوان جزئی از فرآیند حرکت تکاملی و انقلاب آرام و در یک مجموعه ای از عناصر ساختاری منطبق با واقعیت بررسی نمود. این مکتب پیدایش سیکلهای تجاری و وقوع انحصار و خروج از رقابت کامل را به دلیل عدم کارایی اقتصاد نئوکلاسیک دانسته و در نتیجه حرکات اصلاح طلبانه ای را که باعث کارا تر شدن نظام اقتصادی سرمایه داری خواهد گشت معرفی نموده است. همچنین آنها معتقدند تلفیق و نزدیکی بیشتر شاخه های علوم اجتماعی برای تجزیه و تحلیل ضحیح تر و دقیق تر مسائل اقتصادی ضروری است. (همان، ص ۷۰).

مهمترین دستاورد مکتب ساختاری که در واقع مقابل مکتب کلاسیک و نئو کلاسیک بود، حمله به اقتصاد آزاد یعنی عدم دخالت دولت (laissez faire) بوده است. ساختارگرایان دریافتند که آزادی نامحدود اقتصادی لزوماً بهترین نتایج ممکن را برای جامعه بوجود نخواهد آورد و حداکثر شدن سود تک تک افراد به مثابه حداکثر شدن نفع جامعه نیست.

در اینجا یک نکته ای را یاد آوری می کنیم که عبارت "دخالت دولت" نمی توان عبارت درست و کاملی باشد. زیرا حتی اگر تعریف ما از دولت در حد تعریف آدام اسمیت (پدر علم اقتصاد) هم باشد باز هم مفهوم دخالت دولت برداشت نمی شود بلکه "حضور دولت" و "عدم حضور دولت" مطرح است. همانطور که قبلاً گفته شد این مکتب زائیده ایالات متحده است. نظریه ها و توصیه های سیاستی ارائه شده توسط این مکتب باعث انتقاد چپ گرایان و راستگرایان در آمریکا شد. چون این مکتب به شدت از چپ گرایان به خاطر ناتوانی در تبیین کافی سازوکارها و استثمار در درون نظام سرمایه داری انتقاد می کرد. از طرف دیگر واکنش راستگرایان در مواردی شدید تر بود. توصیه های سیاستی مکتب ساختاری از دیدگاه نظریه سنتی کاملاً دگر اندیشانه بود و منافع سیاسی بخش مهمی را تهدید می کرد. راستگرایان اعتقاد داشتند که بنیانگذاران این مکتب اسب تروای مارکسیسم است و به شدت تحلیل مارکسیسم و مکتب ساختاری را بر یکدیگر منطبق می دانستند. راستیها معتقد بودند که این مکتب چون عدم حضور دولت را مورد حمله قرار داده است مثل مکتب

مارکسیسم است و همچنین اینکه هر دوی آنها بر این عقیده هستند که بدون تلاش برای رفع موانع توسعه (یعنی بخشهای سنتی) از فرآیند صنعتی شدن جلوگیری شود.

مهمترین عقیده ساختارگرایان:

تصویر کلی و عملکرد گروهی: طرفداران این مکتب بر این باورند که اقتصاد را به جای اینکه در اجزاء کوچک و جدای از یکدیگر بررسی کنیم، بایستی بطور کل مورد مطالعه قرار دهیم. در یک مجموعه، مثل بدن انسان صرفاً نمی توان با اتکاء به یک جزء از بدن و بدون توجه به اعضاء دیگر به درمان آن پرداخت. یعنی فعالیتهای اقتصادی مجموعه فعالیتهای انفرادی جهت حداکثر کردن سود نیست و عملکرد دسته جمعی که بزرگتر از مجموع اجزاء می باشد وجود دارد. آنها بر این باورند که اقتصاد با سیاست، جامعه شناسی، حقوق، عادات و سنتها، ایدئولوژی و سایر جنبه های اعتقادی و تجربه بشری در ارتباط است.

اهمیت دادن به نقش دولت: از نظر این مکتب، به جای فرد، جامعه و دولت باید مورد توجه قرار بگیرد. برای مثال، در آلمان و کره جنوبی این جامعه و دولت بود که محور توسعه و پیشرفت صنعت، حمل و نقل و رشد اقتصادی گشت. - در بحران جنوب شرق آسیا دولت کره جنوبی برای وام گرفتن از صندوق بین المللی پول از مردم درخواست کرد که طلاهای خود را به دولت امانت بدهد تا دولت از طریق گرو گذاشتن آنها وام دریافت کند و این کار انجام شد. - تأکید طرفداران این مکتب بر این است که جامعه منافعی دارد که در تضاد منافع افراد است و دولت باید حضور داشته باشد. بعضی ها معتقدند مکتب ساختاری مکتب ملی گراست.

تمرکز بر نهادها و نهادگرایی: این مکتب بر نقش ساختارها و نهادها در اقتصاد تمرکز دارد. نهاد در بر گیرنده سنتها، عادات اجتماعی، حقوق، طرز تفکر و راه ورش زندگی می باشد. ساختارگرایان معتقدند زندگی اقتصادی بوسیله نهادهای اقتصادی تنظیم می گردد و نه صرفاً بوسیله قوانین اقتصادی.

بکار بردن روش تاریخی قیاسی استنتاجی: این مکتب روش تجزیه و تحلیل اقتصادی کلاسیکها و نئوکلاسیکها را مورد انتقاد قرار داده و معتقد بودند که روش آنها غیر پویا (استاتیک)، غیرواقعی و غیر تاریخی است. آنها معتقدند که هیچ گونه قانون



موتور جست و جوی پولدار



عاطفه وطن خواه
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

Google Search

I'm Feeling Lucky

اینترنتی هم دوره ی گوگل بود اما آن ها باید راهی برای درآمد زایی پیدا میکردند. برای رسیدن بهچنین هدفی گوگل وارد دنیای تبلیغات شد.

گوگل ادوردز: (Ad) اگر در هنگام جست و جوی یک واژه به صفحه ی نتایج بیشتر دقت کنید، خواهید دید که قسمت بالا و ستون سمت راست این صفحه به آگهی هایی که گوگل از جاهای مختلف می گیرد اختصاص دارد. با هر کلیک کاربر گوگل مبلغ مشخصی از شرکت های موردنظر دریافت میکنند بنابراین هم شما میتوانید به صورت رایگان از خدمات این موتور جست و جو بهره ببرید و هم گوگل به واسطه ی این منبع مهم برای خودش درآمد زایی میکند.

گوگل ادسنس: یکی دیگر از روش های درآمد زایی گوگل برنامه تبلیغاتی گوگل ادسنس است که صاحبان وبسایت های گوناگون می توانند در آن ثبت نام کنند تا تبلیغات در آن سایت ها فعال شوند. درآمد حاصل از این نوع تبلیغات نوسان زیادی دارد و بسته به نوع مطالب، کیفیت و میزان بازدید از سایت متفاوت است. بخش های دیگری از درآمد گوگل از تبلیغات هم حاصل آگهی هایی است که گوگل بر روی سایت ها و شرکت هایی که خریداری کرده است قرار می دهد. راه هایی که گفته شد تنها چند بخش عمده ی درآمدزایی گوگل از راه تبلیغات بود اما راه های بسیاری هم وجود دارد که شما هم بتوانید با استفاده از این موتور جست و جو کسب درآمد کنید.

با توجه به وضعیت اقتصادی ایران و بالابودن نرخ بیکاری امروزه کسب درآمد برای بسیاری از افراد جامعه بسیار دشوار است. عده ای برای اینکه بتوانند شغل مناسبی داشته باشند به سختی درس می خوانند و عده ای دیگر راه های دیگری را انتخاب میکنند و هرکس به طریقی در تقلا است تا بتواند کسب درآمد ایده آلی داشته باشند اما آیا این تلاش ها عمدتاً نتیجه بخش هستند؟ باتوجه به ۴ شیوه ی کسب درآمد در ایران که شامل کارمندی، خود اشتغالی، سرمایه گذاری و کارآفرینی می شود، امروزه کارآفرینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در این میان کسب و کارهای اینترنتی شور و غوغایی به پا کرده است.

یکی از غول های اینترنتی که حیات خود را با یک پروژه ی دانشجویی آغاز کرد موتور جست و جوی گوگل است که از جمله پردرآمدترین شرکت های اینترنتی محسوب می شود. حال این سوال مطرح می شود که آن صفحه ی سفید که بدون هیچ چشم داشتی اطلاعات بسیار مفیدی را به صورت رایگان در اختیار ما قرار می دهد چگونه هزینه هایش را پرداخت و کسب درآمد می کند؟ شرکت گوگل تنها در سال ۲۰۱۶ توانسته است بیش از ۹۰ میلیارد دلار، تنها از طریق فروش تبلیغات به دست آورد. لری پیج (Larry Page) و سرگئی برین (Sergey Brin) که موسسان شرکت گوگل بودند در هنگام تاسیس گوگل تمامی تمرکز کاری شرکت را بر روی توسعه ی موتور جست و جو گذاشتند. ایده ی تمرکز بر روی یک موتور جست و جوی وب، ایده ای بسیار خاص در بین شرکت های

به ما می آموزد و معتقد بود که در مراحل اولیه رشد اقتصادی، دولت باید بطور فعال در فعالیتهای اقتصادی حضور داشته و به مردم کمک نماید و موقعی تجارت آزاد را در پیش بگیرد که کشور به بلوغ صنعتی رسیدم باشد. همچنین فردریک لیست اعتقاد کلاسیکها مبنی بر اینکه چون افراد دنبال حداکثر کردن سود اقتصادی هستند پس سود جامعه حداکثر می شود را رد کرد.

نگاهی به اقتصاد کشورمان، نشان دهنده این است که مدیران کشور در عمل به مبانی گفته شده در مورد مکتب ساختاری، اعتقاد بیشتری دارند تا به مکاتب دیگر. چرا در بین اقتصاددانها و اساتید اقتصاد، هستند افرادی که معتقدند صرف استفاده از فرمولهای اقتصادی برای کشور ایران، با نوع اقتصاد و نوع اعتقاد مردم، نمی تواند گره گشای مشکلات اقتصادی کشور باشد و بر این اعتقاد هستند که دکترین اقتصاد کشورهای دیگر با اقتصاد کشور ایران مطابقت ندارد و از حضور بیشتر دولت در اقتصاد حمایت می کنند.

دارند تا به مکاتب دیگر. چرا در بین اقتصاددانها و اساتید اقتصاد، هستند افرادی که معتقدند صرف استفاده از فرمولهای اقتصادی برای کشور ایران، با نوع اقتصاد و نوع اعتقاد مردم، نمی تواند گره گشای مشکلات اقتصادی کشور باشد و بر این اعتقاد هستند که دکترین اقتصاد کشورهای دیگر با اقتصاد کشور ایران مطابقت ندارد و از حضور بیشتر دولت در اقتصاد حمایت می کنند.

موضوعی که در آخر باید گفته شود این است که علیرغم مطالعات فراوانی که طرفداران مکتب ساختاری انجام دادند ولی به تئوری منسجمی دست نیافتند. در واقع با بوجود آمدن مکاتب اقتصادی دیگر، مثل مکتب کینزی، که آنها تئوری اقتصادی ارائه داده و دیدگاههای خود را بر اساس آن تئوریها ارزیابی کردند.

اقتصادی معتبر وجود نداشته باسثناء الگوهای توسعه ای که در تاریخ قابل مشاهده بوده که می توان آنها را بصورت قوانین توسعه عمومیت داد.

برخورد منافع و حضور دولت: نظریه پردازان این مکتب معتقدند برخورد منافع و تضاد بین گروهها همیشه وجود داشته است مثلاً شرکتهای بزرگ با

ایجاد کارتلها و تراستها در مقابل شرکتهای کوچک قد علم کرده اند، تولید کنندگان علیه مصرف کنندگان، کارفرمایان در مقابل کارگران و... دارای تضاد منافع بوده و لذا باید دولت، بی طرف وارد عمل شده و با حضور خود موجب بهینه شدن اقتصاد شود.

رد ایده و نظریه تعادل نرمال: از دیدگاه ساختارگرایان عدم تعادلها ایجاد شده در اقتصاد دور شدن از تعادل نرمال نیست. عدم تعادلها بوجود آمده مثل سقوط یکباره فعالیت تجاری، رکود تورمی (stagflation) وقوع همزمان تورم و بیکاری و مشکلات کسری تجاری و کسری بودجه دولت معضل اساسی در طول تاریخ بوده اند. آنها اعتقاد دارند که کنترلهای دسته جمعی از طریق دولت، جهت اصلاح مداوم و از بین بردن کاستی ها و عدم تعدیل های ایجاد شده در زندگی اقتصادی لازم می باشند.

اصلاح سیستم کاملاً لیبرال: ساختارگرایان اعتقاد دارند که یک استاندارد از تولید و توزیع مناسب ثروت تعریف شود که در نتیجه آن عدالت و اخلاق مورد قبول واقع گردند. آنها همچنین سیستم بازار را بهینه ندانسته و معتقدند توزیع درآمد عادلانه را برقرار نمی سازد. از دیدگاه آنها این نوع اصلاحات می تواند طبقه کارگران را از افتادن به دامان سوسیالیست نجات دهد به این خاطر به طرفداران این ایده، سوسیالیستهای میز نشین می گفتند که در واقع به کرسی دانشگاه تکیه کرده بودند. از جمله این افراد، فردریک لیست می باشد او بطور جدی دیدگاه آدام اسمیت را که دکترین کلاسیکها برای اقتصاد انگلستان مناسب بوده برای کشورهای در حال توسعه هم مناسب می باشد، رد می نماید. او تأکید دارد که بینیم تاریخ چه چیزی

منابع:

- گرجی، ابراهیم (۱۳۸۴)، سیر تحول در تجزیه و تحلیلهای اقتصاد کلان، تهران، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

Palma J.G. (۱۹۹۸), structuralism the new pal grave, vol ۴, pp ۵۲۸-۵۳۱

تحقیق و بررسی " پیشرفت در امور مالی رفتاری " جلد یک و دو بوده است. بعلاوه مجموعه مقالاتی در مجله چشم انداز اقتصادی تحت عنوان " ناهنجاری ها " منتشر نموده است.

در سال ۲۰۰۸ " نظریه القایی " را معرفی کرد و نشان داد که با ایجاد تغییرات جزئی و خفیف در سیاست های دولت، می توان مردم را در دراز مدت به سمت منافعشان هدایت کرد.

تیلر تجزیه و تحلیل تصمیم گیری اقتصادی را با فرضیه های روان شناختی توسعه داده است. او جایزه نوبل سال ۲۰۱۷ را برای " ترکیب مفروضات روان شناختی در تحلیل تصمیم گیری اقتصادی " دریافت کرد. ریچارد تیلر یک پیشتاز در زمینه تلفیق اقتصاد با روان شناسی است و فرضیات واقع گرایانه علم روان شناسی را در تحلیل تصمیمات اقتصادی به کار بسته است.

اونشان داده است که چگونه محدودیت های آگاهی یک فرد در فرایند اخذ تصمیمات، در کنار تبعات ترجیحات اجتماعی و فقدان کنترل فردی می تواند در تصمیمات فرد و خروجی بازارها اثر گذار باشد و همچنین مطالعات جامعی در زمینه انتخاب های ضعیف افراد انجام داده است که طیف وسیعی از موضوعات را شامل می شود از جمله اینکه چرا افراد تا این اندازه کم برای دوران بازنشستگی خود پس انداز می کنند. او در مطالعاتش به این نتیجه رسیده است که انسان ها لذت آنی هم اکنون را بیش تر ترجیح می دهند حتی اگر بدانند با صبوری خواهند توانست پول بیشتری یا زندگی بهتری داشته باشند. خاطره ای جالب را " ریچارد تیلر " از خودش تعریف میکند : اوایل سال های تدریسم ، یکبار تصمیم گرفتم امتحان سختی از دانشجویانم بگیرم و از این طریق دانشجویان زرنگ ، متوسط و تنبل کلاس را شناسایی کنم. امتحان از ۱۰۰ نمره بود و متوسط نمره کلاس ۷۲ شد. دانشجویان از امتحان من به دلیل نمراتی که گرفتند خیلی ناراحت و خشمگین بودند . من هم چون سال های اول تدریسم بود خیلی ترسیدم که نکند به علت این مساله کارم را از دست بدهم. اما فکری به ذهنم خطور کرد و دفعه بعد امتحان را از ۱۳۷ نمره برگزار کردم. این امتحان از امتحان قبلی سخت تر بود. نمره متوسط کلاس ۷۰ درصد کل نمره شد یعنی عدد ۹۶. اما این بار نه تنها دانشجویان اعتراض نکردند بلکه خیلی هم خوشحال بودند در حالیکه متوسط نمره حتی از

جایزه علوم اقتصادی بانک مرکزی سوئد به یاد آلفرد نوبل که به جایزه نوبل اقتصاد معروف است، هر سال به پژوهشگران برجسته در علم اقتصاد اعطا می شود. برندگان این جایزه توسط آکادمی سلطنتی علوم سوئد انتخاب می شوند و هزینه آن توسط بانک مرکزی سوئد تامین می شود. " ریچارد تیلر " به خاطر تلاش هایش در حوزه اقتصاد رفتاری به عنوان برنده جایزه نوبل اقتصاد سال ۲۰۱۷ انتخاب شد. اقتصاد رفتاری رشته ای است که با مطالعه رفتار فردی و عوامل روان شناختی ، بازارها و عوامل را مورد تحلیل قرار می دهد. ریچارد تیلر ۷ سپتامبر ۱۹۴۵ در اورنج شرقی نیوجرسی (ایالات متحده آمریکا) متولد شد و به صورت تخصصی بر علم اقتصاد رفتاری تمرکز داشته است. مادرش معلم و پدرش از کارکنان شرکت مدیریت سرمایه گذاری و بیمه فایننشیال در نیوآرک نیوجرسی بود. او پس از فارغ التحصیلی از آکادمی نیوآرک وارد دانشگاه کینگ وسترن شد و سال ۱۹۶۷ از آنجا فارغ التحصیل شد. مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۹۷۰ و دکتری خود را در سال ۱۹۷۴ از دانشگاه راجستر دریافت کرد. پس از پایان تحصیلات، در دانشگاه راجستر به عنوان استاد مشغول به کار گردید. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵ ، عضو هیئت علمی دانشکده جی.اس. جانسون در دانشگاه کرنل بود. سپس به عنوان استاد اقتصاد رفتاری در دانشکده بازرگانی، دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۹۵ عضو هیئت علمی شد. وی همچنین از سال ۱۹۹۱ مدیریت اجرایی دفتر مطالعات اقتصادی ملی را بعهده دارد. تیلر به خاطر تئوری هایش در مبحث رفتار مالی و همکاریش با دنیل کانمن در همین حوزه مشهور است. یکی دیگر از اقدامات ارزشمند او، شناسایی و تفسیر مفهوم " حسابداری ذهنی " است که بیان می کند افراد به صورت ذهنی بودجه خاصی را به هر کدام از سرفصل های هزینه ای خود اختصاص می دهند، هر چند شاید این روش در عمل چندان بهینه نباشد. او برگزیت، (خروج انگلستان از اتحادیه اروپا) را نمونه بارزی از تصمیم گیری تعداد زیادی از شهروندان بر مبنای احساس و نه بر اساس منافع اقتصادی نامید. از دیگر فعالیت های وی می توان به تاسیس شرکت فولر و تیلر اشاره کرد که با استفاده از تعصب های شناختی از جمله اثر مالکیت و بیزاری از دست دادن باعث افزایش دارایی می شوند. وی همچنین سردبیر



شراره آتش زمزم
دانشجوی کارشناسی اقتصاد





افق صنعت ترکیه



توریست و پوشاک ایران و ترکیه:

مقدمه:

با توجه به شرایط فرهنگی و مذهبی نزدیک ایران و ترکیه به نظر میرسد که باید درآمد حاصل از گردشگری آن ها نزدیک به هم باشد اما چنین نیست و ترکیه با قرار گرفتن در رتبه ۶ در جهان درآمد سرشاری دارد و مقصد نخست گردشگران ایرانی است اما سهم ایران از گردشگری جهان کمتر از ۵/۰ درصد است. جدا از این تفاوت در مورد گردشگری متقابل این دو کشور هم موازنه وجود ندارد و به نفع ترکیه است. ترکیه در سال ۲۰۱۱ با بهره گیری ناآرامی های کشور های عربی توانست به توسعه گردشگری بپردازد و مقصد بسیاری از گردشگران کشورهای مصر، تونس، یونان و... را به سمت ترکیه تغییر دهد به همین دلیل بعضی انتظار داشتند به دلیل نا آرامی های به وجود آمده در ترکیه و در جریان کودتا در آن ایران بتواند از موقعیت استفاده کرده و به جذب گردشگران ترکیه بپردازد.

بر اساس سازمان جهانی گردشگری ایران رتبه ۱۰ جاذبه های باستانی و تاریخی و رتبه ۵ جاذبه های طبیعی را داراست با این وجود از لحاظ بهره برداری از این منابع در جایگاه مطلوبی قرار نگرفته است. کشور ما از لحاظ ویژگی های طبیعی و اقلیمی خاص، آثار تاریخی و هنری و قرار گرفتن در راه ابریشم، تنوع و

دو کشور ایران و ترکیه را می توان اثرگذارترین کشورها در خاورمیانه دانست. کشور ترکیه به واسطه موقعیت حساس جغرافیایی و ایران با توجه به منابع سرشار انرژی و مواد معدنی و همچنین دسترسی آن به دریاهای آزاد به عنوان حساس ترین و پر اهمیت ترین کشورها مورد توجه جهانیان بوده اند. این دو کشور مسلمان که در همسایگی یکدیگرند و فرهنگی نسبتاً مشابه دارند با وجود آنکه هر دو تحت تاثیر تحولات جهانی مشابه چون روند آزادسازی اقتصادی بوده اند در طی تاریخ راه های متفاوتی پیموده اند و در زمینه توسعه اقتصادی تفاوت زیادی دارند که در ادامه به بعضی عوامل گردشگری و صنعتی می پردازیم.

عوامل گردشگری:

اقتصاددانان از صنعت گردشگری به عنوان یک صنعت مولد سرمایه و اشتغال زا نام می برند و معتقدند توسعه صحیح گردشگری موجب افزایش ارزش آوری میشود تاثیر این صنعت از جهات مختلفی قابل بررسی و مهم است مانند فعال شدن فرودگاه ها و سیستم های حمل و نقل، افزایش تولیدات محلی و بومی و صنعتی و افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی مثل هتل سازی و سایر خدمات مرتبط ..

غیر خصوصی می توانند به مردم برای بهبود تصمیمات روزانه شان کمک کند. به عقیده کمیته نوبل سقمله اصطلاحی است که ریچارد ابداع کرده است و همچنین به مردم کمک کرده به ترفند های تبلیغاتی آگاه شوند و از تصمیم های بد اقتصادی پرهیز کنند.

آخرین باری که جایزه نوبل اقتصاد (یا به بیان بهتر جایزه یاد بود علم اقتصاد) به دانشمندی در حوزه اقتصاد رفتاری رسیده به سال ۲۰۰۲ و "دنیل کانمن" برمی گردد که همکاری نزدیکی با تیلر داشت. نکته مهم این است که اقتصاد رفتاری در دهه های اخیر از جایگاه خاصی در نظریه های اقتصادی برخوردار بوده است. توسعه و پیشرفت این رشته بیش از هر محقق دیگر مرهون زحمات، مطالعات و تحقیقات ریچارد تیلر است.

متوسط نمره دفعه قبل که ۷۲ درصد کل نمره بود کمتر شده بود. تیلر می گوید: من به دو دلیل حداکثر نمره را از ۱۳۷ در نظر گرفتم. اول اینکه متوسط نمره کلاس حدود ۹۰ شد و برخی از دانشجویان بالای ۱۰۰ شدند و این نمرات آنها را خیلی خوشحال کرد. دوم، تقسیم نمرات بر عدد ۱۳۷ چندان ساده نبود و حدس من این بود که بیشتر دانشجویان نمراتشان را برحسب درصد محاسبه نمی کنند. از دید یک اقتصاددان رفتار دانشجویان من سازگار نمی باشد زیرا عقلانی نیست که کسی از نمره ۹۶ از ۱۳۷ (۷۰ درصد) خوشحال شود اما از نمره ۷۲ از ۱۰۰ (۷۲ درصد) ناراحت باشد. این مساله نشان می دهد که فرض عقلایی رفتار کردن انسان چندان هم درست نیست. "یافته های تجربی تیلر و بینش نظری او، توانست حوزه ای نوین و رو به رشد را در اقتصاد رفتاری خلق نماید

که تاثیر شگرفی بر ابعاد مختلف تحقیقات اقتر عالم سینما نیز به ایفا نقش پرداخته است. وی با شرکت در فیلم "رکود

بزرگ" به عنوان بازیگر، موضوع بحران پیچیده اقتصادی

جهان در سال های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸

را به مخاطب تو ضیح

می دهد. از جمله کتاب

های مشهور ریچارد تیلر

می توان به کتاب "سقلمه"

اشاره کرد. وی در این کتاب

بررسی می کند که چگونه سازمان های

خصوصی و





وجود چهار فصل و فرهنگ اصیل باعث شده بتوانیم ایران را به عنوان یکی از گهواره های تمدن در سطح بین المللی معرفی نمایم.

به گفته اردشیر اوجی مدیرکل سابق دفتر آمار و برنامه ریزی سازمان میراث فرهنگی دلیل قرار گرفتن ترکیه در رتبه ۶ جهانی در زمینه گردشگری نتیجه یک دهه تلاش مستمر و

موفق و سرمایه گذاری های اساسی برای ایجاد زیرساخت های گسترده است؛ وی بیان کرد " ترکیه سالیانه درآمدی معادل ۳۳ میلیارد از طریق جذب ۲۵ تا ۲۶ میلیون توریست داشته و برای ۵/۱ میلیون نفر امکانات کاری فراهم کرده است و پیش بینی می شود تا سال ۲۰۲۳ به ۲ برابر میزان کنونی برسد و در مورد وضعیت گردشگری ایران بیان داشت به دلیل اینکه مشتری مدار نیست و سلاقی مشتریان ورودی به ترکیه را مورد بررسی قرار نداده نتوانسته گردشگران ترکیه را جذب و سلاقی آنها را شناسایی کند و همچنین وضعیت هتل های ۴ و ۵ ستاره ی ایران در وضعیت مطلوبی نیست و تعداد آنها باید از ۱۳۰ به ۴۰۰ برسد که با روند کنونی در حال انجام است و از سوی باید بخش حمل و نقل و نوسازی ناوگان هوایی مد نظر قرار گیرد." از جمله سیاست هایی که ترکیه برای افزایش و ارتقاء درآمد های توریستی انجام می دهد می توان به ایجاد تسهیلات در صدور ویزا برای گردشگران، کاهش عوارض خروجی، جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در ساخت هتل ها و تاسیسات و توسعه آموزش در حوزه گردشگری و ... دانست همچنین دولت با اجرای قانون tax free و ارزان سازی قیمت ها با ترغیب کردن گردشگران برای خرید کالاهای ترکی به رونق تولید کمک می کند این صنعت از ۱۸۵ بخش اقتصادی دیگر حمایت می کند و همچنین در ازای هر ۱۱ گردشگر برای ۱ نفر فرصت شغلی ایجاد میکند.

در سال ۲۰۱۵ مخارج مستقیم بخش گردشگری در ترکیه حدود ۵٪ از تولید ناخالص داخلی و با احتساب مشارکت غیرمستقیم سفر و گردشگر مشارکت آن به حدود ۱۳٪ از تولید ناخالص داخلی می رسد.

سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ترکیه یک عامل مهم و تاثیرگذار در توسعه سریع بخش گردشگری بوده و در سال ۲۰۱۴ ترکیه به هشتمین مقصد

محبوب همایش ها و اجلاس ها در جهان تبدیل شد که این باعث تداوم سرمایه گذاری مستقیم خارجی شد. اثر بر سایر بخش ها به صورت

غیرمستقیم در نتیجه ورود گردشگران به آن کشور و تقویت این صنعت به صورت برون مرزی و درون مرزی باعث شد بازار املاک ترکیه از این امر متاثر شود و قیمت این

دارایی ها رو به فزونی گذارد و همگام با آن سرمایه گذاری در مستغلات را به دلیل سودآور شدن افزایش داد. در این جا با توجه به نظر صاحب نظران و آمار و گزارش ها به بررسی دلایلی که به ترکیه کمک کرده در جذب گردشگر نسبت به ایران موفق تر باشد می پردازیم:

۱- امکانات گردشگری: با توجه به گزارش سازمان انجمن اقتصاد جهانی در رتبه بندی مناسب ترین کشورها برای گردشگری در سال ۲۰۱۵ ایران در رتبه ۹۷ و ترکیه در رتبه ۴۴ از میان ۱۴۱ کشور قرار گرفت در این رتبه بندی به جنبه های اقتصادی، میزان ارتباط با اقتصاد جهانی، امنیت، وجود زیرساخت های حمل و نقل، سلامت و بهداشت و مهیا بودن امکانات الکترونیک و... مورد توجه قرار گرفت.

۲- ضعف بعضی مدیران کلان ایران در صنعت گردشگری: برای شکوفایی این صنعت به برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت متعددی نیازمندیم.

۳- عدم توجه به توسعه منابع انسانی در صنعت گردشگری: به طوری که بسیاری از کسانی که در این حوزه فعالیت می کنند فاقد تخصص لازم در این زمینه اند و یا تحصیلات غیرمرتبط دارند و با دید تجاری وارد شده اند که باعث افزایش هزینه ها شده.

۴- تبلیغات: با افزایش نمایش سریال های تلویزیونی ترک صنعت توریسم افزایش چشم گیری داشته و از این طریق به تبلیغات پرداخته ولی در ایران سازمان ها و نهاد های مرتبط با این صنعت فعالیت خاصی ندارند و بعضی گردشگران به دلیل عدم آشنایی به ایران، آن را به عنوان مقصد خود انتخاب نمی کنند همچنین به دلیل وجود جنگ روانی و تبلیغات منفی و چهره منفی از ایران باعث تغییر مسیر بسیاری از گردشگران می شود.

صنعت:

واردات ما باید به ازای صادراتی باشد که صورت می گیرد با توجه به این که واردات تامین کننده بخشی از نیازهای جامعه است عملاً واردات صورت می گیرد تا کشور بتواند بخشی از نیازهای خود را تامین مالی کند بنابراین نفوس واردات اگر از درون اقتصاد نشات گرفته باشد به منزله ی شکوفایی اقتصادی محسوب می شود با توجه به پایین بودن نرخ تورم جهانی این امر کاهش قدرت رقابت تولیدات داخلی در مواجهه با کالاهای وارداتی خارجی را به دنبال دارد و این کاهش قدرت رقابت است که به کشور لطمه می زند و در نهایت موجب کساد می شود.

بر اساس سخنان محمدجواد صدق آمیز رئیس مرکز پژوهش های صنف اتحادیه پوشاک " معمولاً برای آنکه از میزان واردات پوشاک از کشوری به ایران مطلع شویم باید به آمار رسمی آن کشور مراجعه کنیم چرا که آمار دقیقی در ای رابطه وجود ندارد و ترکیه سالیانه ۵ میلیارد دلار به ایران پوشاک صادر می کند که حدود ۹۰٪ آن قاچاق است بر اساس آمار رسمی گمرک کشور واردات پوشاک از همه کشورها به ایران به ۷۰ میلیون هم نمی رسد." بالاترین واردات پوشاک به ایران از ترکیه و چین است.

تولیدکنندگان داخلی از واردات بی رویه پوشاک گله مندند و معتقدند این ورود بی رویه باعث رکود بازار کسب و کار آن ها شده و خیلی از تولیدی ها را به تعطیلی کشانده، مشکل دیگری که با آن رویه رواند تامین مواد اولیه است که تامین آن در ایران به سادگی انجام نمی شود و هزینه تهیه مواد اولیه به دلیل زیاد بودن تعرفه مالیات برای تولید کنندگان داخلی گران است و زمانی که مواد اولیه گران باشد بالطبع کالای تولیدی نیز گران است در صورتی که تعرفه واردات اولیه در ترکیه ۷٪ است. یکی از چالش هایی که صنعت پوشاک با آن روبروست فسردگی دستگاه ها و ماشین آلات است که تماماً وارداتی بوده و باید تعویض شود از طرفی اگر بتوانیم وارد کنیم تعرفه های گمرکی بسیار بالاست.

بعضی از دست اندکاران صنعت پوشاک بر این باورند که برای حمایت از تولید ملی باید با استفاده از روش هایی چون بخشودگی های مالیاتی، کم کردن بعضی از هزینه های تامین اجتماعی، کاهش نرخ سود و... به این بخش کمک شود تا هزینه تمام شده کاهش یابد و این صنعت رونق یابد.

اقتصاد آن روی سکه فوتبال



فاطمه موسوی
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

فوتبال، یکی از پرطرفدارترین و هیجان انگیزترین ورزش های دنیا در ادوار مختلف که امروزه با اقتصاد پیوند محکمی خورده و این پیوند، حیات و بقای فوتبال را رقم زده است. اقتصاد فوتبال ویژگی هایی خاص خودش دارد که می تواند آن را از بازار سایر کالاها متمایز سازد.

اما بخش مهمی از فوتبال را طرفداران تیم ها تشکیل می دهند. عمدتاً طرفدار به فردی تلقی می شود که بشدت نسبت به باشگاه فوتبال موردعلاقه اش تعصب و وسواس دارد و زندگی اش حول این تعصب می چرخد. وفاداری در فوتبال نسبت به بازار سایر محصولات بسیار بیشتر است بطوریکه این گزینه سدی شده در برابر خروج از این بازار و درواقع یک الگوی نسبتاً بی کشش نسبت به تقاضا را شکل داده است. از منابع کسب درآمد و ورود سرمایه به یک باشگاه فوتبال می توان به مواردی اشاره کرد از جمله فروش بازیکنان، اسپانسرها، حق پخش بازی ها از تلویزیون، طرفداران، مشارکت در طرح های بزرگ و ... وفاداری بیش از حد طرفداران به یک مارک تجاری باعث شده تا باشگاه ها بتوانند بخش عظیمی از سرمایه خود را از طریق طرفداران کسب کنند. در این مقاله هدف بررسی چگونگی ورود سرمایه و درآمد از سوی طرفداران به درون باشگاه است.

فروش بلیط: درآمدی که از این طریق عاید باشگاه می شود رابطه ی مستقیمی با میزان محبوبیت هر تیم دارد؛ این که هوادار حاضر است چه مقدار پول برای خرید بلیط بازی های تیمش بپردازد. یک روش برای کسب درآمد بیشتر در این زمینه تعیین قیمت های مختلف برای جایگاه های مختلف ورزشگاه است که باعث می شود تعداد طرفداران بیشتری از قشرهای مختلف درآمدی بتوانند بازی های تیم را از نزدیک تماشا کنند. یک راه برای ترغیب طرفداران به خرید بلیط بازیهها، تخفیف در قیمت ها برای دارندگان کارت های عضویت طرفداری است که در لیگ ایران مورد استفاده قرار می گیرد.

مدارس و آموزشگاه ها: باشگاه های بزرگ معمولاً برای کسب درآمد، آموزشگاه هایی را افتتاح می کنند که هزینه ورود به آنها معمولاً زیاد است و به نام و اعتبار باشگاه نیز بستگی دارد. این مدارس علاوه بر کسب درآمد، با پرورش استعدادهای برتر کمک زیادی به جذب بازیکن نیز میکنند.

فروش محصولات باشگاه به هواداران: این روش امروزه یکی از بهترین منابع کسب درآمد باشگاه های بزرگ است. برای مثال در انگلیس فروشگاه های زنجیره ای بزرگی وجود دارد که فقط لوازم ورزشی که بطور انحصاری برای طرفداران منچستر تولید می شود را بفروش می رساند. این کار علاوه بر اینکه برای طرفدار مطلوبیت بوجود می آورد باعث می شود فرد به باشگاه کمک بزرگی کرده باشد. در ایران تا به حال به این موضوع توجه چندانی نشده شاید یکی از دلایل آن نبود قوانین و مقرراتی برای انحصاری بودن تولید وسایل یک باشگاه است بطوریکه چندین تولیدکننده این کالاها را با کیفیت های نامناسب تولید و با قیمت هایی پایین تر از اصل آن بفروش می رسانند و سدی می شوند در برابر کسب درآمد باشگاه از این روش.

نمایش افتخارات: یکی از راه های جالبی که در اروپا برای کسب درآمد باشگاه ها مورد استفاده قرار می گیرد، به نمایش گذاشتن افتخارات باشگاه در یک موزه است. مثلاً باشگاه یوونتوس که اخیراً با کسب موفقیت های پی در پی طرفداران زیادی را جذب کرده، توانسته موزه افتخارات داخلی و خارجی خود را در سال ۲۰۱۲ در ورزشگاه آلیانس یوونتوس افتتاح کند. این موزه مورد استقبال چشمگیری قرار گرفته بطوریکه به یکی از جاذبه های توریستی ایتالیا تبدیل شده است. جالب است بدانید این موزه بعد از برد یوونتوس برابر بارسلونا در لیگ قهرمانان اروپا توانست رکورد بازدید بیش از ۳۵۰۰ نفر در روز را بشکند. ولی این تمام ماجرا نیست و علاوه بر درآمدی که از ورودی موزه به باشگاه میرسد افرادی هستند که بدون خرید یادگاری یا اقلام هواداری آنجا را ترک نمیکنند و از این طریق نیز درآمد زیادی عاید باشگاه می شود.



۳. قیمت حقیقی هر چیز یعنی هزینه ی حقیقی که برای بدست آوردن یک چیز شخص پرداخت می کند، عبارتست از از رنج و زحمت به دست آوردن آن.

۴. ارزش کار کارگر را مزد کارگر و سود کارفرما تشکیل می دهد.

۵. کار به صورت مولد و غیرمولد وجود دارد، کارمولد: کاری را که ارزش موضوع را که مشمول آن کاراست را بالا می برد.

۶. تمامی ثروت جهان، نه با زر و سیم بلکه با نیروی کار خریداری شد و این اهمیت کار و تلاش است.

۷. پولی که با بهره وام داده میشود همیشه از طرف وام دهنده سرمایه تلقی میشود.

۸. اسمیت کشورهای مختلف را از نظر تقسیم کار، مبادله، ارزش کار، قیمت کالا و... مورد بررسی قرار میدهد.

۹. ایجاد بازار آزاد و رقابت بین تولیدات داخلی و خارجی و همچنین در این باب معتقد است که اسرار صنعتی را می توان برای مدت طولانی تر از اسرار بازرگانی حفظ کرد.

۱۰. کشورهایی که دولت هایشان نمی توانند بازارهای بزرگ خارجی برای صنعتگران خود ایجاد کنند، خیلی بهتر است که دولت هایشان رو به جواز صادراتی آورند و از این جهت برای دولت حداقل دخالت وجود دارد به این صورت که تنها باید محدود به اعمال حقوق مالکیت، تمهیدات دفاع ملی و تعلیم و تربیت عمومی شود.

۱۱. علت صلی افزایش سرمایه در یک جامعه، صرفه جویی است، نه کار. در حقیقت کار چیزی را فراهم میسازد که صرفه جویی آن را انباشته و ذخیره کرده است.

۱۲. تقسیم درست و صحیح کار

۱۳. ظهور نظام فؤدالی و تحول آن به نظام سرمایه داری

ثروت ملل آدام اسمیت و ظهور مکتب کلاسیک اقتصاد کلاسیک نخستین مکتب اقتصادی مدرن شناخته میشود، که اساس آن بر پایه ی اصالت فرد در امور اقتصادی بنیان نهاده شد. آغازگر مکتب اقتصاد کلاسیک، ثروت ملل آدام اسمیت قلمداد میشود. این مکتب تا میانه ی قرن نوزدهم فعال بود که با ورود مارکس اقتصاد نو کلاسیک جای آن را گرفت.

آدام اسمیت:

آدام اسمیت فیلسوف اخلاق گرای اسکاتلندی است، که از او به عنوان پدر علم اقتصاد مدرن یاد میشود. او فرزند یک مشاور حقوقی برجسته بود که در حدود ۴ سالگی توسط گروهی از کولی ها ربوده شد؛ اما پس از زمان کوتاهی توسط عمومی خود نجات یافت. از جمله استادان وی هاچسون و دیوید هیوم بودند که اسمیت هاچسون را (هاچسونی که نباید فراموش کرد) نامید.

کتاب ثروت ملل:

مباحث اقتصادی تا پیش از انتشار ثروت ملل آدام اسمیت، عمدتاً گرایش به قضاوت در مورد عملکرد اقتصادی داشت تا به تحلیل اقتصادی. از جمله مهمترین ویژگی کتاب ثروت ملل آدام اسمیت این است که، معانی عمیق را به زبانی ساده و روشن، در چارچوب دانشی وسیع از جامعه و تاریخ با کلامی ساده و با نگرش تحلیلی، منسجم و نظاممند به مباحث اقتصادی بیان میکند و با توجه به این ویژگی یک نظریه اقتصادی تدوین گشت؛ شاید به همین علت بود که آدام اسمیت را به عنوان پدر علم اقتصاد لقب نهادند. از جمله اصول مهمی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته ارزش نیروی کار است و نه سرمایه داری و همچنین در این کتاب، اسمیت از مفهومی به نام "دست نامرئی"، استفاده کرد که با حداکثر کردن منافع شخصی بدون نیاز به هرگونه مداخله خارجی بازارها را به سوی تعادل طبیعی حرکت میدهد.

خلاصه ای از مطالب و نکات مهم

کتاب ثروت ملل:

۱. اجاره زمین، مزد کارگر و سود سرمایه سه منبع اصلی تمام درآمدها است.

۲. ارزش کالا، کاری است که بر روی آن انجام می شود.



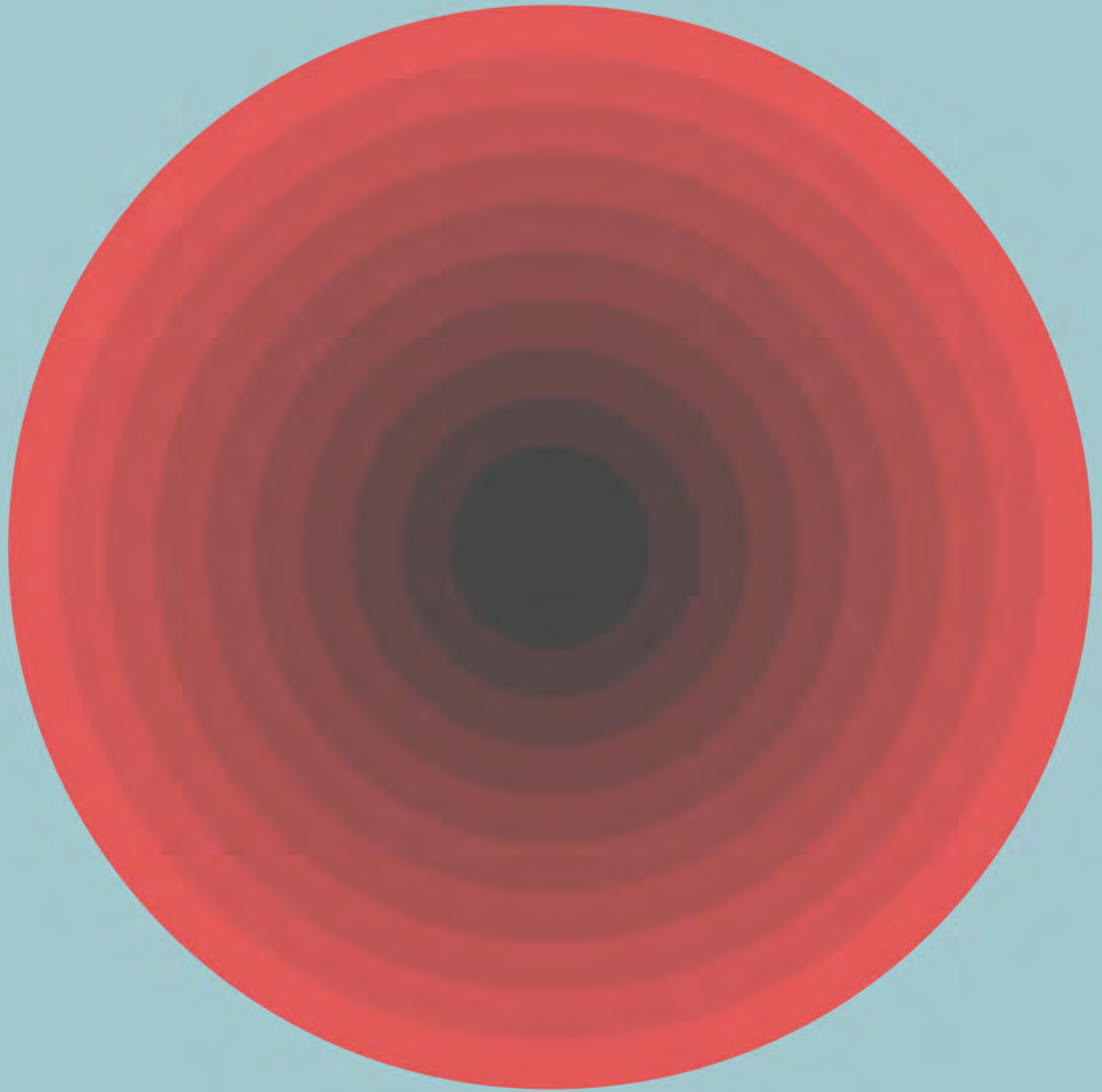
ثروت ملل، آدام اسمیت و ظهور مکتب کلاسیک



زهرا چتر سیناب
دانشجوی کارشناسی اقتصاد

اقتصادی

ECONOMOUS





ابازه دهید برای شما کار کنم..!